

آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ویژه کارکنان دستگاه‌های اجرایی





شناسنامه کتاب

نام کتاب: آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
تهیه و تنظیم: معاونت قانون اساسی معاون حقوقی

رئیس‌جمهور

نوبت چاپ: اول

سال نشر: ۱۴۰۲

آدرس: تهران، میدان آرژانتین، خیابان الوند، نبش خیابان

برمک، پلاک ۳۵. کدپستی: ۱۵۱۶۶۳۶۳۱۳

شماره تماس: ۸۸۱۹۴۹۵۷

آدرس سایت معاونت قانون اساسی
ghanoonasasi.ir

ایتای «خانه ملی قانون اساسی»
@HouseConstitution

روابط عمومی معاونت حقوقی رئیس‌جمهور
www.Lvp.ir



فهرست اجمالی

مقدمه	۶
فصل اول: جایگاه و اهمیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۱۱
فصل دوم: مهم‌ترین ویژگی‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۱۴
فصل سوم: اهداف و وظایف اصلی حکومت از منظر قانون اساسی	۱۸
فصل چهارم: حقوق و آزادی‌های ملت در قانون اساسی	۲۱
فصل پنجم: جایگاه و نقش مقام رهبری در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران	۲۹
فصل ششم: ساختار و صلاحیت‌های قوه مجریه	۳۵
فصل هفتم: ساختار و صلاحیت‌های قوه مقننه	۵۲
فصل هشتم: ساختار و صلاحیت‌های قوه قضائیه	۶۹
فصل نهم: ساختار و صلاحیت‌های سایر مراجع	۵۷
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۸۲
فهرست تفصیلی	۱۳۵



آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ویراست اول

معاونت قانون اساسی معاونت حقوقی رئیس‌جمهور



دیباچه

اهمیت قانون اساسی به عنوان میثاق ملی، ضرورت اهتمام به این سند حقوقی در نظام سیاسی و اداری کشور را نمایان می‌سازد. بر این اساس، توسعه و ترویج قانون اساسی و هدفمند نمودن آموزش آن برای اقشار مختلف مردم به ویژه کارگزاران و کارمندان دستگاه‌های اجرایی یکی از محورهای فعالیت معاونت حقوقی ریاست جمهوری قرار گرفته است؛ تا از این طریق بتوان فرهنگ احترام به قانون اساسی در کشور را تقویت نمود و به اجرای کامل اصول قانون اساسی نزدیک تر شد.

علاوه بر تدوین برنامه‌های مختلف در حوزه توسعه و ترویج قانون اساسی، تشکیل معاونت قانون اساسی در ذیل معاونت حقوقی رئیس‌جمهور جهت برنامه‌ریزی و اقدام به صورت متمرکز در حوزه توسعه، ترویج، پیگیری و آموزش قانون اساسی یکی از تمهیدات این دوره بوده است که اثر حاضر نیز یکی از ثمرات تلاش‌های این مجموعه می‌باشد.

در خصوص اثر حاضر شایان ذکر است، با وجود اهمیت تقویت آموزش قانون اساسی ویژه کارکنان دستگاه‌های اجرایی، متأسفانه تاکنون در این حوزه منبع یا برنامه آموزشی خاصی تدارک دیده نشده بود و خلأ این موضوع در نظام اداری کشور محسوس بوده است. این امر موجب شده تا تهیه منبع و برنامه آموزشی مناسب برای این قشر در دستور کار معاونت قانون اساسی قرار گیرد. به خصوص اینکه این وظیفه در بخشنامه‌ها و مقررات موجود مورد تأکید مراجع رسمی قرار گرفته بوده و تاکنون اجرایی نشده بود.

امید است ثمره این تلاش‌ها به خوبی مورد استفاده مسئولین دستگاه‌های اجرایی و به ویژه واحدهای حقوقی وابسته به آنها قرار گیرد تا بتوان شاهد نتایج مثبت توسعه ادبیات قانون اساسی نزد کارکنان دستگاه‌های اجرایی و رضایت‌مندی هرچه بیشتر مردم از عملکرد دستگاه‌های اجرایی در جهت اجرای اصول قانون اساسی باشیم.

در پایان بر خود لازم می‌دانم، از همه اساتیدی که در تهیه این منبع آموزشی و آموزش آن با معاونت حقوقی ریاست جمهوری همکاری داشته‌اند کمال تشکر و سپاسگزاری را داشته باشم.

محمد دهقان

معاون حقوقی رئیس جمهور



مقدمه

قانون اساسی به عنوان میثاق بین مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین هنجار در نظام حقوقی و سیاسی ایران به شمار می‌آید. به جهت اهمیت قانون اساسی در نظام حقوقی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران و تعیین اهم ساختارها و صلاحیت‌های ارکان اساسی کشور در آن، آشنایی با قانون اساسی برای کارکنان دستگاه‌های اجرایی به عنوان یک ضرورت محسوب می‌شود. از این روی، هیأت وزیران به استناد اصل یکصدوسی‌وهشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۹/۸ در قالب تصویب‌نامه‌ای بر آموزش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای کارکنان دولت تأکید کرد.

در راستای اجرای تصویب‌نامه مزبور نیز در ذیل بخشنامه شماره ۶۶۸۳۲۰ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۹ معاون سرمایه انسانی رئیس‌جمهور راجع به معرفی «دوره‌های آموزشی عمومی تکمیلی»، دوره آموزشی «آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» به عنوان یک دوره «عمومی» برای «تمامی کارمندان» و به مدت «۸ ساعت» پیش‌بینی شد. همچنین در بخشنامه مزبور روش اجرای این دوره «حضور» و روش ارزشیابی آن «حضور منظم در دوره و مشارکت در مباحث، آزمون کتبی» تعیین شد. آنچه در خصوص منبع آموزشی دوره آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی واجد اهمیت است و معاونت قانون اساسی معاونت حقوقی

ریاست جمهوری را بر آن داشت تا این کتاب را تهیه و تدوین کند، آن است که بر طبق بند (۳) تصویب‌نامه هیأت وزیران (اصلاحی ۱۳۹۲/۲/۲۲)، معاونت حقوقی رئیس‌جمهور موظف شده است متون آموزشی دوره را بررسی و تأیید کند. همچنین، در ذیل جدول دوره آموزشی «آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» در بخشنامه مذکور، مراجع مجری این دوره مکلف شده‌اند تا در برگزاری دوره مذکور مشخصاً از مواد آموزشی تهیه‌شده توسط معاونت حقوقی ریاست جمهوری استفاده کنند. لذا، با عنایت به نقش این معاونت در حوزه آموزش قانون اساسی برای کارکنان دستگاه‌های اجرایی، کتاب حاضر به منظور استفاده دستگاه‌های اجرایی تهیه و تدوین شده است.

تأکید بر این نکته لازم است که با توجه به متنوع بودن مخاطبان این دوره از حیث تخصص، سطح تحصیلات، رشته تحصیلی و حوزه کاری، در تهیه اثر حاضر تلاش شده است در حد امکان به شیوه و قلمی ساده و بدون پیچیدگی و با بهره‌گیری از دسته‌بندی‌های منظم و با تأکید بر نص اصول قانون اساسی، مهمترین مباحث مربوط به قانون اساسی ایران توضیح داده شود و از این حیث مخاطبانی که تمایل به آشنایی بیشتر با حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران و موضوعات مرتبط با آن دارند، لازم است کتب تخصصی رشته حقوق عمومی را مطالعه کنند. همچنین مشخص است که ساعات مقرر برگزاری دوره برای آموزش همه سرفصل‌های دوره آشنایی با قانون اساسی کافی نیست و بهتر است در صورت نبود امکان پوشش کامل سرفصل‌های این متن آموزشی، استادان دوره مقتضیات اداری، مأموریت‌ها و رسالت‌های دستگاه مجری را مد نظر قرار دهند و در این میان توصیه می‌شود که ویژگی‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (فصل دوم کتاب)، اهداف و وظایف حکومت (فصل سوم کتاب) و حقوق و آزادی‌های ملت (فصل چهارم کتاب) مورد توجه جدی‌تری قرار گیرد.

همچنین لازم است از همکاری و همراهی آقای دکتر محمدامین

ابریشمی راد، خانم دکتر فاطمه افشاری، آقای دکتر احمد تقی‌زاده و آقای محمود پوررضائی فشخامی در تهیه و تدوین این متن آموزشی تشکر کنم. در پایان، امیدواریم با اهتمام همه نهادها و دستگاه‌های عمومی و با ترویج آموزه‌ها و اصول قانون اساسی روزبه‌روز به اهداف مقرر برای نظام جمهوری اسلامی ایران که در اصل دوم میثاق ملی بیان شده است یعنی قسط، عدل، استقلال و همبستگی ملی نزدیک‌تر شویم.

سید احمد حبیب‌نژاد

معاون قانون اساسی معاونت حقوقی رئیس‌جمهور

و دبیر هیأت پیگیری اجرای قانون اساسی



فصل اول: جایگاه و اهمیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

امروزه قانون اساسی به عنوان مهم‌ترین سند حقوقی-سیاسی کشورها قلمداد می‌شود. در مفهوم عام، قانون اساسی عبارت است از مجموعه قواعد نوشته یا نانوشته‌ای که به تعیین مبانی، اهداف، وظایف، حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندان، روش‌های استقرار قدرت سیاسی و اعمال و انتقال آن می‌پردازد.

در نظام سیاسی ایران، اولین قانون اساسی که به عنوان قانون اساسی مشروطه شناخته می‌شود در سال ۱۲۸۵ تصویب شد که به همراه متمم قانون اساسی مشروطه- مصوب ۱۲۸۶- تا انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷ لازم‌الاجرا بود. در سال ۱۳۵۸ و با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این قانون ساختار کلی نظام سیاسی و اهم سازوکارها، صلاحیت‌ها و حقوق و آزادی‌های بنیادین را تبیین کرد و اکنون قانون مزبور به همراه بازنگری انجام‌شده در سال ۱۳۶۸ لازم‌الاجرا هستند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بالاترین هنجار حقوقی در ایران، اصول کلی حاکم بر نظام سیاسی و حقوقی در حوزه‌های «مبانی، اهداف و وظایف حکومت»، «زبان، خط، تاریخ و پرچم کشور»، «حقوق و آزادی‌های ملت»، «اقتصاد و امور مالی»، «ساختار کلی

حکومت»، «ولایت فقیه و صلاحیت‌های آن»، «ساختار و صلاحیت‌های قوای سه‌گانه و سایر مراجع رسمی»، «نحوه مشارکت مردم در اداره امور کشور»، «ساختار و صلاحیت‌های نیروهای مسلح»، «سیاست خارجی» و نظایر آن را مشخص کرده است.

به جهت اهمیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نقش آن در حفظ ثبات نظام سیاسی و حقوقی کشور، مشابه بسیاری از کشورهای دارای قانون اساسی نوشته، این قانون پس از موازین شرعی در صدر سلسله‌مراتب هنجاری قرار دارد و سایر هنجارهای حقوقی بایستی در چارچوب آن باشند. به منظور تضمین این برتری نیز سازوکارهای مختلفی از جمله پاسداری اجرایی توسط رئیس‌جمهور (موضوع اصول ۱۱۳ و ۱۲۱) و نیز پاسداری تقنینی توسط شورای نگهبان (موضوع اصول ۴ و ۹۴) که در ادامه بدان‌ها پرداخته می‌شود، مورد شناسایی قرار گرفته است. همچنین، حفظ ثبات نظام سیاسی اقتضا دارد تا فرآیند بازنگری در قانون اساسی با رعایت تشریفات ویژه صورت گیرد تا از ایجاد تزلزل و اصلاحات مکرر در نظام سیاسی خودداری شود. بر این اساس، اصل ۱۷۷ قانون اساسی بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را با شرایط ذیل امکان‌پذیر دانسته است:

«مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس‌جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی ... پیشنهاد می‌نماید ... مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آراء عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی برسد. ...»

همچنین، بر طبق یک رویه پذیرفته‌شده در قوانین اساسی کشورهای مختلف (مانند ماده ۸۹ قانون اساسی فرانسه)^۱، اصول مربوط به جوهره اصلی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، در ذیل اصل ۱۷۷ قانون اساسی غیرقابل بازنگری دانسته شده‌اند. به موجب عبارت مزبور

۱. ماده ۸۹- اساس حکومت جمهوری می‌تواند مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

«محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است.»



فصل دوم: مهم‌ترین ویژگی‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بررسی روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی و فرآیند تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گویای دو ویژگی مهم اسلامی و مردمی بودن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. اهمیت این دو ویژگی به گونه‌ای است که می‌توان آنها را از اصول مختلف قانون اساسی به روشنی استنباط کرد. با این مقدمه، در ادامه به شناسایی این دو ویژگی پرداخته می‌شود:

مبحث اول: اسلامی بودن

بررسی تاریخی پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی(ره) و تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گویای اهمیت نقش و جایگاه ضوابط اسلامی در اندیشه‌ی مردم و رهبران انقلاب ملت ایران است. در این زمینه، مرور شعارهای ملت ایران در دوران انقلاب به روشنی گویای آن است که اسلام‌خواهی یکی از مهم‌ترین خواسته‌های ملت ایران بوده و شعارهایی همچون «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بیان‌گر این موضوع است که تشکیل حکومتی مبتنی بر موازین اسلام هدف مردم بوده است. از سوی دیگر، اعتماد مردم به رهبری دینی برای تشکیل نظام سیاسی جدید، اهمیت شریعت در دیدگاه ملت و بنیانگذاران انقلاب اسلامی را مشخص می‌کند. همین

موضوع در ترکیب اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی^۱ نیز تأثیر گذاشت؛ به طوری که بیش از نیمی از اعضای آن مجلس دارای تحصیلات دینی و حوزوی بودند.

استفاده از مفاهیم یا اصطلاحات اسلامی یا مرتبط با ادبیات دینی در ۵۹ اصل قانون اساسی نیز نمایانگر این اهمیت است. در این راستا، اصل ۲ قانون اساسی از ایمان به خدای یکتا، وحی الهی، معاد، عدل، امامت و رهبری به عنوان پایه‌های ایمانی نظام جمهوری اسلامی ایران یاد کرده است. همچنین، در بیشتر مواردی که در قانون اساسی حقوق و آزادی‌هایی برای شهروندان شناسایی شده یا صلاحیت قانونگذاری مجلس مورد اشاره قرار گرفته، رعایت موازین اسلامی به عنوان یکی از محدودیت‌ها و قيود آن حق یا آزادی یا صلاحیت پیش‌بینی شده است. مهم‌تر از همه، اهمیت موازین اسلام در سلسله‌مراتب هنجاری موجب شده است اصل ۴ قانون اساسی مقرر کند: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.» عبارت ذیل این اصل، آن را حتی بر اطلاق یا عموم اصول قانون اساسی نیز حاکم دانسته است. عبارت مذکور مفید این معناست که کلیه اصول قانون اساسی باید بر اساس موازین اسلامی تفسیر شود و با فرض اینکه از برخی اصول قانون اساسی برداشت‌های برخلاف موازین اسلامی قابل استنباط باشد، با اعلام فقهای شورای نگهبان آن تفسیر قابل پذیرش و اجرا نخواهد بود و تنها آن بخش از تفاسیر قابل پذیرش و اجراست که با موازین اسلام مغایر نباشد. از این روی، باید موازین اسلام را به عنوان هنجار برتر در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران قلمداد کرد و حسب

۱ انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (موسوم به خبرگان قانون اساسی) ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ برگزار شد و ۷۳ عضو آن نخستین جلسه بررسی پیش‌نویس قانون اساسی را ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ آغاز کردند. متن تدوین‌شده توسط خبرگان قانون اساسی در همه پرسی ۱۱ و ۱۲ آذر ۱۳۵۸ به تأیید اکثریت ملت ایران رسید.

مورد، آن را بر اطلاق و عموم اصول قانون اساسی، قوانین عادی، مقررات دولتی و سایر هنجارهای حقوقی حاکم دانست. این اهمیت موجب شده تا در عبارت ذیل اصل ۱۷۷ قانون اساسی نیز «محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتنای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران» تغییرناپذیر دانسته شوند.

مبحث دوم: مردمی بودن

مردمی بودن نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان از نقش مردم در شکل‌گیری، اداره و نظارت بر نظام جمهوری اسلامی دریافت. به منظور اداره مردمی نظام سیاسی، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران امکان مشارکت مستقیم مردم در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب کارگزاران نظام سیاسی فراهم شده است. به عبارتی، علاوه بر اینکه مستند به اصل ۵۹ قانون اساسی، امکان قانونگذاری در مسائل بسیار مهم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از طریق مراجعه مستقیم به آرای عمومی فراهم شده است، مردم با شرکت در انتخابات‌های مختلف از جمله انتخابات مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی، ریاست‌جمهوری و شوراهای اسلامی شهر و روستا، عملاً بخش قابل توجهی از کارگزاران نظام سیاسی را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم خودشان انتخاب می‌کنند تا به نمایندگی از آنان به اعمال حاکمیت بپردازند.

این مردمی بودن در نظارت مردم بر حکومت نیز مورد توجه تدوین‌کنندگان قانون اساسی قرار گرفته و اصول متعدد قانون اساسی بدین امر تصریح کرده است. به عنوان نمونه، اصل ۸ قانون اساسی دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه‌ای همگانی و

متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت دانسته است. همچنین، بر طبق اصول مختلف قانون اساسی همچون اصول ۹۰ یا ۱۷۳ امکان شکایت مردم از مقامات و مراجع حکومتی و اعتراض به عملکرد آنان پیش‌بینی شده است. در این زمینه، اصل ۹۰ قانون اساسی مقرر کرده است که «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند.» همچنین، اصل ۱۷۳ قانون اساسی بیان می‌کند: «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیر نظر رییس قوه قضاییه تأسیس می‌گردد.»



فصل سوم: اهداف و وظایف اصلی حکومت از منظر قانون اساسی

اصل ۲ قانون اساسی، جمهوری اسلامی را نظامی بر پایه ایمان به ۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او ۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین ۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا ۴- عدل خدا در خلقت و تشریع ۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام ۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا دانسته است. عبارت ذیل اصل مزبور نیز هدف نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران را تأمین «قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و همبستگی ملی» تعیین کرده است. در راستای تحقق این اهداف، اصل مزبور مقرر داشته که دولت باید از سه طریق ذیل نیل به اهداف مذکور را پی بگیرد:

الف- اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین ب- استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها ج- نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری.

همچنین، در راستای نیل به اهداف مذکور، اصل ۳ قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف کرده است تا همه امکانات خود

را برای امور زیر به کار برد:

۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی ۲- بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر ۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی ۴- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان ۵- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب ۶- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی ۷- تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون ۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش ۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی ۱۰- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور ۱۱- تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور ۱۲- پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه ۱۳- تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها ۱۴- تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون ۱۵- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم ۱۶- تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.

اصل ۴۳ قانون اساسی نیز «تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او» را از جمله اهداف جمهوری اسلامی دانسته و

در این راستا ضوابط زیر را برای اقتصاد در جمهوری اسلامی ایران مقرر کرده است:

۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه ۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد ۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد ۴- رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری ۵- منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام ۶- منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات ۷- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور ۸- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور ۹- تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

در حوزه سیاست خارجی نیز اصل ۱۱ قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف کرده است «سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.»



فصل چهارم: حقوق و آزادیهای ملت در قانون اساسی

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در اغلب قوانین اساسی کشورهای جهان مورد شناسایی قرار می‌گیرد، حقوق و آزادی‌های ملت است. بر این اساس، فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تحت عنوان «حقوق ملت» به تبیین بخشی از حقوق و آزادی‌هایی پرداخته که شهروندان در نظام جمهوری اسلامی ایران از آنها برخوردارند. البته در این زمینه تأکید بر این نکته لازم است که نمی‌توان ادعا کرد که حقوق ملت، منحصرراً در این فصل قانون اساسی شناسایی شده است؛ به عنوان نمونه، در اصول ۱۲، ۱۳ و ۱۴ قانون اساسی که در فصل اول قانون اساسی (اصول کلی) قرار گرفته نیز برخی حقوق و آزادی‌های ملت بیان شده است.

از سوی دیگر، حقوق و آزادی‌های مذکور در قانون اساسی، تنها حقوق و آزادی‌هایی نیستند که ملت ایران از آنها بهره‌مندند، بلکه برخی از حقوق و آزادی‌ها در قوانین عادی یا در اسناد بین‌المللی مورد پذیرش دولت ایران مورد شناسایی و تضمین قرار گرفته‌اند.

یک نکته قابل توجه در خصوص نحوه شناسایی حقوق و آزادی‌های ملت در قانون اساسی ایران آن است که هرچند اهم شرایط و قیود راجع به حقوق و آزادی‌های شهروندان در اصول مربوط به آنها مورد تصریح قرار گرفته است، برخی اصول قانون اساسی همچون اصول ۹

و ۴۰ قانون اساسی شرایط و قیودی کلی راجع به حقوق و آزادی‌های شهروندان تعیین کرده‌اند که بایستی به این موارد توجه کرد. توضیح آنکه، بر اساس اصل ۹ قانون اساسی «هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند». همچنین مطابق اصل ۴۰ قانون اساسی «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». مبتنی بر مقدمات فوق، در ادامه به شناسایی مصادیق این حقوق و آزادی‌ها پرداخته می‌شود:

مبحث اول: حقوق مدنی و سیاسی ملت

در اصول مختلف فصل سوم قانون اساسی به برخی از مصادیق حقوق مدنی و سیاسی پرداخته شده است. به عنوان نمونه، در اولین اصول مندرج در فصل حقوق ملت قانون اساسی (اصول ۱۹ و ۲۰) تساوی و برابری مردم ایران در برخورداری از حقوق مختلف در زمینه‌های انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تضمین و به این نکته تأکید شده است که رنگ، نژاد، زبان، قوم و قبیله و نظایر آن نمی‌تواند مبنای تفاوت میان شهروندان در برخورداری از حقوق یا حمایت قانون باشد و همچنین مردان و زنان با رعایت موازین اسلام از تمام حقوق برخوردارند. در این راستا، در ذیل اصل ۱۰۷ قانون اساسی تصریح شده که «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است».

اصل ۲۲ قانون اساسی به موضوع تعرض ناپذیری حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص تصریح کرده و تعرض به این موارد را صرفاً با مجوز قانونگذار امکان‌پذیر دانسته است.

اصل ۲۳ قانون اساسی، تفتیش عقاید را ممنوع اعلام و تعرض و مؤاخذه افراد به صرف داشتن عقیده خاصی را منع کرده است.

اصل ۲۴ قانون اساسی نیز نشریات و مطبوعات را در بیان مطالب آزاد

دانسته است، مشروط به آنکه مطالب آنها مخل به مبانی اسلام و حقوق عمومی نباشد.

اصل ۲۵ قانون اساسی بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس را مگر به حکم قانون ممنوع اعلام کرده است.

اصل ۲۶ قانون اساسی فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده را مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند، آزاد دانسته است و در این راستا مقرر داشته است که هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

اصل ۲۷ قانون اساسی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها را مشروط به اینکه بدون حمل سلاح باشد و مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد دانسته است.

اصل ۴۱ قانون اساسی تابعیت کشور ایران را حق مسلم هر فرد ایرانی دانسته و مقرر داشته است که دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

مبحث دوم: حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملت

در اصول مختلف فصل سوم قانون اساسی به برخی از مصادیق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته شده است. به عنوان نمونه، اصل ۲۸ قانون اساسی ضمن شناسایی حق بر انتخاب آزادانه شغل - مشروط به اینکه مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نباشد، دولت را موظف کرده است تا با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی احراز مشاغل را ایجاد کند.

اصل ۲۹ قانون اساسی ضمن شناسایی برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، درراه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره به عنوان حقی همگانی، دولت را مکلف کرده است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای يك‌يك افراد کشور تأمین کند.

بر طبق اصل ۳۰ قانون اساسی دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

اصل ۳۱ قانون اساسی داشتن مسکن متناسب با نیاز را حق هر فرد و خانواده ایرانی دانسته است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

مبحث سوم: حقوق قضائی ملت

بخشی از حقوق شناسایی شده در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مرتبط با امور قضائی شهروندان است و از این جهت از آنها به عنوان حقوق قضائی ملت یاد می‌شود. در این زمینه، اصل ۳۲ قانون اساسی مقرر کرده است: «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود.»

اصل ۳۳ قانون اساسی بیان می‌کند: «هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به

اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.» اصل ۳۴ قانون اساسی در مقام شناسایی حق دسترسی به دادگاه اشعار می‌دارد: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.»

اصل ۳۵ قانون اساسی نیز انتخاب وکیل در همه دادگاه‌ها را حق طرفین دعوا دانسته و مقرر داشته است که اگر طرفین دعوا توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود.

به موجب اصل ۳۶ قانون اساسی، «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.»

اصل ۳۷ قانون اساسی ضمن شناسایی اصل برائت مقرر داشته است: «هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.»

بر طبق اصل ۳۸ قانون اساسی، «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود.»

اصل ۳۹ قانون اساسی اشعار داشته است: «هتك حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.»

مبحث چهارم: حقوق زن و خانواده

به جهت اهمیت و ضرورت حفظ کرامت خانواده و به خصوص زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، در مقدمه قانون اساسی و برخی از اصول آن به موضوع خانواده و زنان توجه ویژه شده و حقوق و امتیازاتی برای آنان در نظر گرفته شده است. در این زمینه مقدمه قانون اساسی

ذیل عنوان «زن در قانون اساسی» بیان کرده است: «در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه‌جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. خانواده، واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت «شیء بودن» و یا «ابزار کار بودن» در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پُراج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش‌آهنگ و خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.»

همچنین، در این راستا اصل ۱۰ قانون اساسی به منظور تحکیم خانواده به عنوان واحد بنیادی جامعه اسلامی مقرر داشته است که «همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.»

اصل ۲۱ قانون اساسی نیز در مقام شناسایی وظایف دولت در ارتباط با زنان مقرر داشته است «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید» و امور زیر را انجام دهد:

- ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او
- ۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی‌سرپرست
- ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده
- ۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و

زنان سالخورده و بی‌سرپرست. ۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

مبحث پنجم: حقوق اقلیت‌ها

هرچند مطابق صدر اصل ۱۲ قانون اساسی، دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری معرفی شده، در ادامه همان اصل، مذاهب دیگر اسلام اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل دانسته شده است. پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند. از سوی دیگر، در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود.

همچنین، اصل ۱۳ قانون اساسی جهت شناسایی حقوق اقلیت‌های دینی، اقلیت‌های زرتشتی، کلیمی و مسیحی را به عنوان تنها اقلیت‌هایی شناسایی کرده که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و می‌توانند در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل کنند.

یکی دیگر از حقوق اقلیت‌های دینی ذکر شده، حق انتخاب شدن به عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی است. در این زمینه، بر طبق اصل ۶۴ قانون اساسی مجموعاً پنج نماینده به اقلیت‌های مذکور اختصاص پیدا کرده است که از این میان، مسیحیان سه نماینده و کلیمیان و زرتشتیان، هر کدامیک نماینده در مجلس دارند.

در خصوص غیر مسلمانان نیز توجه به این نکته لازم است که مطابق اصل ۱۴ قانون اساسی، «دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در

حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه
و اقدام نکنند.»



فصل پنجم: جایگاه و نقش مقام رهبری در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران

در جمهوری اسلامی ایران با اعتقاد به اینکه در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)، «ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و باتقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد» (اصل ۵ قانون اساسی)، ولی فقیه به عنوان بالاترین مقام رسمی کشور شناسایی شده است (اصل ۱۱۳ قانون اساسی). در این راستا، اصل ۵۷ قانون اساسی قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران را «زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت» دانسته است؛ بنابراین مقام رهبری بر سه قوه نظارت دارد.

از سوی دیگر، به استناد اصول ۶۰ و ۱۱۳ قانون اساسی مقام رهبری برخی از صلاحیت‌های قوه مجریه را مستقیماً بر عهده دارد و از این جهت به عنوان یکی از ارکان قوه مجریه نیز به شمار می‌آید. در این زمینه، اصل ۶۰ قانون اساسی مقرر داشته است «اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس‌جمهور و وزرا است.» همچنین اصل ۱۱۳ قانون اساسی که در ذیل فصل قوه مجریه شناسایی شده بیان داشته است: «پس از مقام رهبری، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.»

مبحث اول: شرایط و شیوه انتخاب مقام رهبری

علاوه بر اصل ۵ قانون اساسی که شرایط « فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر » را برای مقام رهبری شناسایی کرده است، به موجب اصل ۱۰۹ قانون اساسی شرایط و صفات رهبری عبارتند از: «صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه»، «عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام» و «بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری». ذیل اصل ۱۰۹ نیز اینگونه مقرر شده است که «در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد مقدم است.»

اصل ۱۰۷ قانون اساسی در مقام شناسایی شیوه تعیین مقام رهبری مقرر داشته است: «پس از مرجع عالی‌قدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی «قدس سره الشریف» که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره همه فقه‌های واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند. هرگاه یکی از آنان را اعلام به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.»

مبحث دوم: صلاحیت‌های مقام رهبری در قانون اساسی

با توجه به اینکه قانون اساسی هر کشور توصیف‌گر جایگاه

نهادهای اساسی آن کشور است و از سوی دیگر، بیانگر صلاحیت‌ها و حدود اقتدارات هریک از قوا و نهادها در آن کشور است، قانون اساسی ایران نیز علاوه بر توصیف جایگاه مقام رهبری و قوای سه‌گانه در اصل ۵۷، در اصل ۱۱۰ قانون اساسی به بیان اهم وظایف و اختیارات مقام رهبری پرداخته است. البته، تأکید بر این نکته لازم است که اصل مزبور تنها اصلی نیست که به صلاحیت‌های مقام رهبری تصریح دارد، بلکه در اصول دیگر قانون اساسی همچون اصول ۱۱۲، ۱۳۱، ۱۷۶ و ۱۷۷ نیز صلاحیت‌هایی برای آن مقام شناسایی شده است. همچنین، با عنایت به قید «مطلقه» در اصل ۵۷ قانون اساسی، آنچه از «ولایت مطلقه» مدنظر بوده پیش‌بینی طریقی فوق‌العاده جهت شکستن بن‌بست‌های نظام سیاسی و تضمین مصالح جامعه اسلامی بوده است که علی‌الاصول به استناد اصطلاح مزبور مقام رهبری در حدود مصلحت نظام و مردم امکان تصمیم‌گیری خارج از صلاحیت‌های مصرح در قانون اساسی را دارند.

علی‌ای‌حال، با توجه به اهمیت و محوریت اصل ۱۱۰ قانون اساسی در این زمینه، در ادامه به تشریح وظایف و اختیارات مقام رهبری مبتنی بر اصل مزبور پرداخته می‌شود.

بند اول: تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی

مقام رهبری سیاست‌های کلی نظام را که بایستی قوای سه‌گانه در مقام ایفای وظایف خودشان مدنظر قرار دهند، پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین و ابلاغ می‌کنند. در این زمینه هرچند اخذ نظر مشورتی از مجمع الزامی است ولیکن نظر مجمع برای مقام رهبری مشورتی بوده و در نهایت سیاست‌ها با نظر مقام رهبری تعیین و ابلاغ می‌شود. تاکنون سیاست‌های کلی مختلفی مانند سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری، انتخابات، تأمین اجتماعی، خانواده و ... ابلاغ شده است.^۱

۱. برای مشاهده سیاست‌های کلی نظام ر.ک :

بند دوم: نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام

با عنایت به الزامی بودن رعایت سیاست‌های کلی نظام برای قوای سه‌گانه و سایر ارکان کشور، نظارت بر حسن اجرای این سیاست‌ها برعهده مقام رهبری دانسته شده است. البته، اکنون مقام رهبری به استناد عبارت ذیل اصل ۱۱۰ قانون اساسی که مقرر کرده است «رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند» و به موجب پیوست حکم دوره هشتم مجمع تشخیص مصلحت نظام (ابلاغی ۱۳۹۶)، این صلاحیت را برعهده «هیأت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» که در ذیل مجمع تشخیص مصلحت تشکیل می‌شود و متشکل از برخی از اعضای مجمع است تفویض کرده‌اند.

بند سوم: فرمان همه‌پرسی

در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران دو نوع همه‌پرسی اساسی (موضوع اصل ۱۷۷) و همه‌پرسی تقنینی (موضوع اصل ۵۹) قابل اجراست. در این زمینه، بند ۳ اصل ۱۱۰ قانون اساسی صدور فرمان برگزاری همه‌پرسی به عنوان یکی از مراحل برگزاری همه‌پرسی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران را از صلاحیت‌های مقام رهبری دانسته است.

بند چهارم: فرماندهی کل نیروهای مسلح

کلیه نیروهای مسلح اعم از نظامی و انتظامی ذیل فرماندهی مقام رهبری به ایفای صلاحیت می‌پردازند.

بند پنجم: اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها

با توجه به اهمیت و آثار اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها، تدوین‌کنندگان قانون اساسی مسئولیت اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها را برعهده مقام رهبری به عنوان بالاترین مقام رسمی کشور قرار داده‌اند.

بند ششم: نصب و عزل و قبول استعفای برخی مقامات

با توجه به جایگاه مقام رهبری، به موجب بند ششم اصل ۱۱۰، صلاحیت نصب، عزل و قبول استعفای «فقهای شورای نگهبان»، «عالی‌ترین مقام قوه قضاییه»، «رئیس سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران»، «رئیس ستاد مشترک»، «فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» و «فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی» برعهده مقام رهبری قرار گرفته است.

بند هفتم: حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه

با توجه به جایگاه مقام رهبری در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و قرار گرفتن سه قوه در ذیل مقام رهبری، در صورت بروز اختلاف بین قوای سه‌گانه، حل اختلاف و به تبع آن تنظیم روابط قوای سه‌گانه در صلاحیت مقام رهبری قرار گرفته است.

بند هشتم: حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست

در صورتی که موضوعی از طرق عادی قابل حل نباشد و ساختارها و سازکارهای رسمی کشور نتوانند پاسخگوی نیازهای نظام سیاسی و حقوقی باشند، با تشخیص مقام رهبری امکان حل این قبیل معضلات از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام فراهم گردیده است. در این موارد، طبیعتاً ابلاغ موضوع به مجمع و نحوه حل معضل باید در چارچوب ابلاغی مقام رهبری و از طریق مجمع صورت گیرد.

بند نهم: امضای حکم ریاست‌جمهوری پس از انتخاب مردم

امضای حکم ریاست‌جمهوری از صلاحیت های مقام رهبری است که در ادبیات حقوقی از آن تحت عنوان تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری یاد می‌شود. بر این اساس، پس از انتخاب رئیس‌جمهوری توسط مردم، امکان ایفای صلاحیت‌های این مسئولیت منوط به تنفیذ حکم ایشان توسط مقام رهبری است.

بند دهم: عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور

به موجب این صلاحیت، عزل و برکناری رئیس‌جمهوری در صورت اثبات تخلف وی از وظایف قانونی توسط دیوان عالی کشور یا رأی عدم کفایت مجلس به او منوط به موافقت رهبری است. به عبارت دیگر، پس از طی تشریفات مذکور، مقام رهبری بایستی با در نظر گرفتن مصالح کشور در زمینه عزل یا عدم عزل رئیس‌جمهوری تصمیم مقتضی را اتخاذ کنند.

بند یازدهم: عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین

اسلامی

در صورت پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات محکومین از طرف رئیس قوه قضائیه، تصمیم‌گیری در خصوص اعمال آن در حدود موازین اسلامی در صلاحیت مقام رهبری است.



فصل ششم: ساختار و صلاحیت‌های قوه مجریه

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، اصل ۶۰ قانون اساسی اعمال قوهی مجریه را جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس‌جمهوری و وزراء دانسته است. لذا، قوه مجریه در ایران، دورکنی و مرکب از رهبر و رئیس‌جمهوری است که نحوه انتخاب رئیس‌جمهوری و وزراء، مسئولیت و حدود وظایف آن‌ها در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبحث اول: رئیس‌جمهوری

به تصریح اصل ۱۱۳ قانون اساسی پس از مقام رهبری، رئیس‌جمهوری بالاترین مقام رسمی کشور و رئیس قوه مجریه محسوب می‌شود و از این جهت نقش ویژه‌ای در نظام سیاسی ایران دارد. بر این اساس، در ادامه به تبیین شرایط، نحوه انتخاب، مسئولیت‌ها، همکاران، کفالت و صلاحیت‌های رئیس‌جمهوری پرداخته می‌شود.

بند اول: شرایط داوطلبان ریاست‌جمهوری

به موجب اصل ۱۱۵ قانون اساسی «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور».

در خصوص شرایط مذکور در این اصل توضیحات ذیل لازم است:

۱- رجال مذهبی و سیاسی: در خصوص عنوان «رجال» برخی معتقدند این عنوان، صرف نظر از جنسیت (زن یا مرد)، معنای اعتباری شخصیت‌های سیاسی و مذهبی را متبادر به ذهن می‌سازد و قید مرد بودن در آن موضوعیت ندارد. همچنین این گروه بر آنند که با توجه به حذف شرط «مرد بودن» توسط تدوین‌کنندگان قانون اساسی از اصل ۱۱۵ و اینکه تاکنون شورای نگهبان صلاحیت داوطلبان زن را به دلیل زن بودن رد نکرده است، این تفسیر باید ملاک باشد.

۲- ایرانی‌الاصل: با وجود ابهامات راجع به این اصطلاح، قدر متیقن آن است که نامزد ریاست جمهوری باید از پدری متولد شده باشد که تابعیت او از بدو تولد ایرانی باشد.

۳- مدیر و مدبر: با توجه به نقش و جایگاه رئیس‌جمهور، داشتن تجربه مدیریت کلان در کشور جهت احراز این شرط ضروری است.

۴- دارای حسن سابقه و امانت و تقوی: با توجه به این شرایط، بررسی سوابق فردی، اجتماعی، مدیریتی و سیاسی نامزد ریاست جمهوری لازم است.

۵- مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران: با توجه به عبارت ذیل اصل ۱۷۷ قانون اساسی شاید بتوان منظور از مبانی جمهوری اسلامی ایران را محتوای اصول مربوط به «اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران» دانست.

۶- مؤمن و معتقد به مذهب رسمی کشور: با توجه به اصل ۱۲ قانون اساسی که مذهب جعفری اثنی‌عشری را مذهب رسمی کشور دانسته است، رئیس‌جمهوری لزوماً باید به احکام مذهب شیعه دوازده امامی مؤمن و معتقد باشد.

بند دوم: نحوه انتخاب رئیس جمهوری

به موجب اصل ۱۱۴ قانون اساسی، رئیس جمهوری برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است. بر طبق اصل ۱۱۹ قانون اساسی، نیز انتخابات رئیس جمهور جدید باید حداقل یک ماه قبل از پایان دورهی ریاست جمهوری قبلی انجام شده باشد.

با عنایت به بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون آمده است، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان برسد و از این جهت شورای نگهبان مسئول احراز صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری است.

بر طبق اصل ۱۱۷ قانون اساسی، رئیس جمهوری با اکثریت مطلق آراء شرکت کنندگان انتخاب می شود؛ ولی هرگاه در دورهی نخست هیچ یک از نامزدها چنین اکثریتی به دست نیاورد، روز جمعه هفته بعد تنها در خصوص دو نفر از نامزدها که در دوره نخست بیشترین آراء را به دست آورده بودند، در انتخابات رأی گرفته می شود.

پس از انتخاب رئیس جمهوری توسط مردم، امضای حکم ریاست جمهوری توسط رهبر انجام می شود و آغاز چهارساله ریاست جمهوری با تنفیذ اعتبارنامه رئیس جمهوری منتخب توسط مقام رهبری آغاز می شود.

پس از تنفیذ حکم ریاست جمهوری توسط مقام رهبری، در چارچوب اصل ۱۲۱ قانون اساسی رئیس جمهوری در مجلس شورای اسلامی در جلسه ای که با حضور رئیس قوه قضاییه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می شود، سوگند یاد می کند.

بند سوم: مسئولیتهای رئیس جمهوری

به دلیل جایگاه و صلاحیتهای عالی رئیس جمهور در نظام سیاسی و اداری کشور، مسئولیتهای مختلفی برای ایشان در نظر گرفته شده

است و اصل ۱۲۲ قانون اساسی^۱ رئیس‌جمهوری را در برابر ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول دانسته شده است. البته، از نظر شخصی، رئیس‌جمهوری مانند سایر افراد ملت است و در برابر قوانین با دیگران یکسان فرض می‌شود.

با عنایت به مقدمه فوق، انواع مسئولیت‌های رئیس‌جمهور را می‌توان به شرح ذیل دانست:

۱- مسئولیت سیاسی در برابر ملت: علاوه بر امکان نقد عملکرد رئیس‌جمهوری توسط ملت، ملت می‌تواند در صورت عدم رضایت از عملکرد رئیس‌جمهوری، از انتخاب مجدد ایشان خودداری کنند.

۲- مسئولیت سیاسی در برابر رهبر: به موجب بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی صلاحیت عزل رئیس‌جمهوری با در نظر گرفتن مصالح کشور و پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی در صلاحیت مقام رهبری است.

۳- مسئولیت سیاسی در برابر مجلس: رئیس‌جمهوری در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی یا قوانین عادی بر عهده دارد در برابر مجلس شورای اسلامی مسئول است. به موجب اصول ۸۸ و ۸۹ قانون اساسی، رئیس‌جمهوری می‌تواند مورد سؤال و استیضاح نمایندگان قرار گیرد.

۴- مسئولیت مالی: به موجب اصل ۱۴۲ قانون اساسی، دارایی رهبر، رئیس‌جمهوری، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق افزایش نیافته باشد.

۵- مسئولیت کیفری: به موجب اصل ۱۴۰ قانون اساسی، رسیدگی به اتهام رئیس‌جمهوری، معاونان وی و وزیران در مورد جرائم عادی با

۱. اصل ۱۲۲ قانون اساسی: رئیس‌جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است.

اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می‌شود.

۶- مسئولیت اداری: در صورت تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی، علاوه بر مسئولیت در برابر مجلس، دیوان عالی کشور می‌تواند وی را محاکمه نماید و در صورت احراز تخلف، رهبر با در نظر گرفتن مصالح کشور می‌تواند حکم به عزل وی دهد.

بند چهارم: همکاران رئیس‌جمهوری

رئیس‌جمهوری علاوه بر همکاری با وزرا در اداره دولت در قالب هیأت وزیران، برای اداره امور اجرایی کشور می‌تواند همکاران دیگری نیز داشته باشد که برخی موارد آن در قانون اساسی مورد تصریح قرار گرفته است. دسته اول این همکاران، معاونان رئیس‌جمهوری و در صدر آن، معاون اول است. به موجب اصل ۱۲۴، رئیس‌جمهوری می‌تواند برای انجام وظایف خود، معاون یا معاونانی داشته باشد که اکنون معاون حقوقی، معاون امور مجلس، معاون اجرایی، معاون امور زنان و خانواده، معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان از مصادیق آن هستند. معاون اول رئیس‌جمهوری با موافقت او، اداره هیأت وزیران و مسئولیت هماهنگی سایر معاونت‌ها را بر عهده خواهد داشت.

رئیس‌جمهوری در اجرای وظایف و اختیارات خود و در راستای هماهنگی و نظارت، ریاست برخی سازمان‌های دولتی مهم را برعهده دارد که این امر را در قالب تفویض اختیار به معاونان خود انجام می‌دهد. مهم‌ترین نهادهای مذکور شامل موارد ذیل هستند:

۱- سازمان اداری و استخدامی کشور: به موجب اصل ۱۲۶ قانون اساسی، رئیس‌جمهوری مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد و می‌تواند اداره‌ی آن‌ها را به عهده‌ی دیگری بگذارد.

۲- سازمان برنامه و بودجه کشور

۳- سازمان حفاظت محیط‌زیست: این سازمان وابسته به رئیس‌جمهوری

است که از طریق یکی از معاونان خود آن را اداره می‌کند.

۴- سازمان انرژی اتمی ایران: این سازمان وابسته به ریاست جمهوری است که از طریق یکی از معاونان خود آن را اداره می‌نماید. علاوه بر موارد ذکر شده، به موجب اصل ۱۲۷ قانون اساسی رئیس‌جمهوری می‌تواند در موارد خاص برحسب ضرورت و با تصویب هیئت وزیران نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین کند. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس‌جمهوری و هیئت وزیران خواهد بود. با توجه به نظر تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۷۳۷ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۰ شورای نگهبان تصمیمات مقامات مذکور در این اصل، در امور اجرایی معتبر است و شامل وضع تصویب‌نامه، آیین‌نامه و اساسنامه نمی‌شود.

بند پنجم: کفالت رئیس‌جمهوری

در مواردی که رئیس‌جمهوری قادر به انجام وظایف خود نباشد یا رئیس‌جمهوری تعیین نشده باشد، تا زمان انتخاب رئیس‌جمهوری جدید یا حضور مجدد رئیس‌جمهوری در سمت خود، برای وی کفیل تعیین می‌شود: مصادیق کفالت به شرح ذیل است:

۱- فوت

۲- عزل توسط مقام رهبری با در نظر گرفتن مصالح کشور

۳- استعفاء: بر طبق اصل ۱۳۰ قانون اساسی، رئیس‌جمهوری استعفای خود را به رهبر تقدیم می‌کند و تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشود به انجام وظایف محوله‌ی خود ادامه می‌دهد.

۴- غیبت یا بیماری بیش از دو ماه

۵- انقضای مدت ریاست جمهوری و انتخاب نشدن رئیس‌جمهوری جدید

۶- مصادیق دیگر

در موارد ذکرشده، بر طبق اصل ۱۳۱ قانون اساسی معاون اول رئیس‌جمهوری با موافقت رهبری اختیارات و مسئولیت‌های وی را بر

عهده می‌گیرد. در صورت فوت معاون اول یا امور دیگری که مانع از انجام وظایف وی شود یا در صورتی که رئیس‌جمهوری معاون اول نداشته باشد، مقام رهبری، فرد دیگری را به جای او منصوب می‌کند.

در شرایط فوق، شورایی متشکل از رئیس مجلس، رئیس قوه قضاییه و معاون اول رئیس‌جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رئیس‌جمهوری جدید انتخاب شود.

به موجب اصل ۱۳۲ قانون اساسی، در زمان کفالت ریاست‌جمهوری برخی محدودیت‌ها برقرار می‌شود که عبارت‌اند از: وزراء را نمی‌توان استیضاح کرد یا به آنان رأی عدم اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدید نظر در قانون اساسی یا همه‌پرسی اقدام نمود.

بند ششم: صلاحیت‌های رئیس‌جمهوری

در اصول مختلف قانون اساسی صلاحیت‌های مختلف ذیل برای رئیس‌جمهور پیش‌بینی شده است:

الف- مسئولیت اجرای قانون اساسی

اصل ۱۱۳ قانون اساسی مسئولیت اجرای قانون اساسی را برعهده رئیس‌جمهوری نهاده و وی در خصوص پاسداری از قانون اساسی سوگند یاد می‌کند (اصل ۱۲۱ قانون اساسی). بر این اساس، به موجب ماده ۱۳ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست‌جمهوری اسلامی ایران^۱ - مصوب ۱۳۶۵-، رئیس‌جمهوری از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و سایر اقدامات لازم بر اجرای قانون اساسی نظارت دارد و در صورت نقض و تخلف و عدم اجرای قانون اساسی می‌تواند به نحو مقتضی با اخطار، تعقیب و ارجاع پرونده‌ی متخلفان به محاکم قضایی اقدام کند. همچنین، در این زمینه، بر طبق ماده ۱۶ قانون فوق‌الذکر، «رئیس‌جمهوری می‌تواند سالی یک بار آمار موارد توقف، عدم اجرا و نقض و تخلف از قانون اساسی را با تصمیمات متخذ تنظیم کند

۱. ماده ۱۳ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست‌جمهوری اسلامی ایران: به منظور پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس‌جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم مسئول اجرای قانون اساسی می‌باشد.

و به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند». البته اکنون نظرات تفسیری شورای نگهبان محدودیت‌ها و قیودی نسبت به این صلاحیت بار کرده است که بایستی مورد توجه و عمل رئیس‌جمهوری قرار گیرد. در خصوص صلاحیت مذکور توجه به این نکته لازم است که اکنون به موجب دستورالعمل «نحوه اعمال مسئولیت رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی» -ابلاغی ۱۴۰۱-، این صلاحیت برعهده معاونت حقوقی رئیس‌جمهور و به صورت مشخص معاونت قانون اساسی معاونت حقوقی رئیس‌جمهور قرار دارد.

ب- صلاحیت‌ها در حوزه‌های مرتبط با امور بین‌المللی

رئیس‌جمهوری در حوزه‌های مرتبط با امور بین‌المللی دارای اختیاراتی به شرح ذیل است:

۱- امضای قراردادهای بین‌المللی: به موجب اصل ۱۲۵ قانون اساسی، امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهوری یا نماینده قانونی او است.

۲- اعزام و پذیرش سفیران: بر طبق اصل ۱۲۸ قانون اساسی، سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رئیس‌جمهوری تعیین می‌شوند. رئیس‌جمهور استوارنامه‌ی سفیران را امضا می‌کند و استوارنامه‌ی سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد.

پ- ریاست بر شوراهای عالی کشور

ریاست بر شوراهای عالی زیر بر عهده‌ی رئیس‌جمهور است:

۱- شورای عالی امنیت ملی: این شورا به استناد اصل ۱۷۶ قانون اساسی به منظور تأمین منافع ملی، پاسداری از انقلاب اسلامی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌گردد.

۲- شورای عالی انقلاب فرهنگی: این شورا به عنوان دست‌اندرکار سیاست‌گذاری فرهنگی کشور به موجب حکم حکومتی حضرت امام خمینی (ره) تشکیل شده و رئیس آن، رئیس‌جمهوری است.

ت- ریاست هیأت وزیران

بر طبق اصل ۱۳۴ قانون اساسی، ریاست هیأت وزیران با رئیس‌جمهوری است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگی ساختن تصمیم‌های وزیران و هیأت دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط‌مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند.

ث- نصب و عزل وزرا

بر طبق اصل ۱۳۳ قانون اساسی، وزرا توسط رئیس‌جمهوری تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند. البته، به موجب اصل ۱۶۰ قانون اساسی، وزیر دادگستری از میان کسانی که رئیس قوه قضاییه به رئیس‌جمهوری پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد.

همچنین، به موجب اصل ۱۳۶ قانون اساسی، رئیس‌جمهوری می‌تواند وزرا را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیأت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.

از سوی دیگر، به استناد اصل ۱۳۵ قانون اساسی، رئیس‌جمهوری می‌تواند برای وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارد حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین کند. در این مورد نیازی به تأیید مجلس نیست.

ج- اعطای نشان‌های دولتی

به موجب اصل ۱۲۹ قانون اساسی، اعطای نشان‌های دولتی با رئیس‌جمهوری است. به موجب ماده ۲۱ آیین‌نامه اعطای نشان‌های دولتی - مصوب ۱۳۶۹-، نشان‌های دولتی (کشوری) در فرآیندی مشخص و با پیشنهاد وزیر مربوطه و تصویب هیأت دولت به افراد اعطا می‌شود.

لازم به ذکر است، اکنون نشان‌های لشگری با تأیید فرمانده کل قوا یا مقام مجاز از سوی ایشان اعطا می‌شود.

چ- صلاحیت‌ها در حوزه‌های مرتبط با مجلس شورای اسلامی

۱- **حضور و نطق در مجلس:** به استناد اصل ۷۰ قانون اساسی، رئیس‌جمهوری و معاونان او و وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و هرگاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می‌شود.

۲- **تقاضای تشکیل جلسه غیرعلنی:** به موجب اصل ۶۹ قانون اساسی، در شرایط اضطراری در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند به تقاضای رئیس‌جمهوری یا یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان، جلسه‌ی غیرعلنی تشکیل می‌شود.

۳- **توقف انتخابات مجلس:** بر طبق اصل ۶۸ قانون اساسی در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس‌جمهوری و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان انتخابات نقاط اشغال‌شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می‌شود.

ح- امضای قوانین و نتیجه همه‌پرسی

بر طبق اصل ۱۲۳ قانون اساسی، رئیس‌جمهوری موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضا کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد. بر طبق قوانین موجود اقدام رئیس‌جمهوری در این مورد يك تکلیف و عملی صرفاً تشریفاتی محسوب می‌شود. بر این اساس، رئیس‌جمهوری موظف به امضای مصوبات و ابلاغ آن ظرف پنج روز است. در صورت استنکاف او، روزنامه‌ی رسمی موظف است به دستور رئیس مجلس، مصوبات را ظرف ۷۲ ساعت منتشر کند.

مبحث دوم: وزیران

پس از رئیس‌جمهوری، وزرا به عنوان رکن اصلی قوه مجریه به

شمار می‌آیند. بر این اساس، در ادامه به تبیین جایگاه، مسئولیت و صلاحیت‌های آنان در نظام سیاسی پرداخته می‌شود.

بند اول: جایگاه وزیر در نظام سیاسی

وزیران مقامات سیاسی عالی در سطح اجرایی کشور و عالی‌ترین مقام اداری در هر وزارتخانه‌اند. رئیس‌جمهوری پس از ادای سوگند و تنفیذ حکمش، وزیران پیشنهادی خود را بر طبق اصل ۱۳۳ قانون اساسی برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌کند.

وزرا پس از گرفتن رأی اعتماد، در برابر مجلس مسئولیت سیاسی دارند و مجلس می‌تواند از طریق سؤال یا استیضاح بر ایشان نظارت داشته باشد. به موجب اصل ۱۳۳ قانون اساسی با تغییر مجلس گرفتن رأی اعتماد جدید برای وزیران لازم نیست. علاوه بر اینکه وزیر ممکن است به واسطه استیضاح و پس گرفته شدن اعتماد مجلس عزل شود، رئیس‌جمهوری به نحو مستقل می‌تواند در هر زمانی وزیر را عزل کند. همچنین، بر طبق اصل ۱۳۵ قانون اساسی، استعفای هیأت وزیران یا هر یک از آنان باید به رئیس‌جمهوری تسلیم شود و هیأت وزیران تا تعیین دولت جدید به وظایف خود ادامه خواهند داد. از سوی دیگر، رئیس‌جمهوری می‌تواند برای وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین کند.

بر طبق یک قاعده کلی، امور دارای وصف سیاسی مانند شرکت در هیأت وزیران، وضع آیین‌نامه، هدایت سیاسی امور وزارتخانه و نظایر آن قائم به شخص وزیر است و قابل واگذاری به دیگری نیست؛ اما به جهت تراکم زیاد وظایف وزیران، آنان می‌توانند بخشی از وظایف غیراساسی و اداری خود همچون امور فنی و اجرایی و امور اداری و استخدامی وزارتخانه را به معاونانشان تفویض کنند. البته، تفویض اختیار باید صریح و کتبی انجام شود.

بند دوم: مسئولیت‌های وزیر

با عنایت به اهمیت وزیران در نظام سیاسی ایران، انواع مسئولیت ذیل برای ایشان قابل شناسایی است:

الف- مسئولیت سیاسی وزیر در برابر مجلس

بر طبق اصل ۱۳۷ قانون اساسی، «هر یک از وزیران، مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس‌جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست.» بر این اساس، مجلس می‌تواند در چارچوب اصول ۸۸ و ۸۹ قانون اساسی از هر یک از وزرا سؤال یا آنان را استیضاح کند.

ب- مسئولیت اداری وزیر در برابر رئیس‌جمهوری

بر طبق اصل ۱۳۴ قانون اساسی که مقرر داشته است رئیس‌جمهوری «بر کار وزیران نظارت دارد»، وزرا از منظر اداری در ذیل سلسله مراتب اداری رئیس‌جمهوری قرار دارند و در صورت انجام ندادن وظایف محول به نحو مطلوب، رئیس‌جمهوری می‌تواند آنان را بازخواست یا عزل کند.

پ- مسئولیت مالی وزیر

به موجب اصل ۱۴۲ قانون اساسی، دارایی وزیران، همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق افزایش نیافته باشد.

ت- مسئولیت کیفری وزیر

بر طبق اصل ۱۴۰ قانون اساسی، رسیدگی به اتهام وزیران در مورد جرایم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود.

ث- مسئولیت قضایی وزیر

با توجه به اصل ۱۷۳ قانون اساسی، امکان شکایت از تصمیمات و اقدامات وزیران در زمینه تخلف از وظایف قانونی یا خارج شدن از دایره

اختیارات قانونی، در دیوان عدالت اداری وجود دارد. این مسئولیت می‌تواند حسب مورد با شکایت مردم یا گزارش مراجع نظارتی همچون سازمان بازرسی کل کشور طرح شود.

ج- مسئولیت مدنی وزیر

مسئولیت مدنی وزرا مانند سایر کارمندان دولت در چارچوب ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی^۱ - مصوب ۱۳۳۹ - قابل پیگیری است.

بند سوم: صلاحیتهای وزیر

نظر به گستردگی وظایف وزرا، اهم صلاحیتهای آنان ذکر می‌شوند:

الف- وضع مقررات لازم‌الاجرا

بر طبق اصل ۱۳۸ قانون اساسی، وزیران از جمله مهم‌ترین مقامات صلاحیت‌دار وضع مقررات لازم‌الاجرا به شمار می‌آیند. این مقررات با عناوین مختلفی همچون تصویب‌نامه، آیین‌نامه، بخشنامه، دستورالعمل، شیوه‌نامه، مصوبه و نظایر آن در نظام حقوقی و اداری شناخته می‌شوند و بخش قابل توجهی از هنجارهای لازم‌الاجرا در حوزه اداری را شکل می‌دهند.

آیین‌نامه و بخشنامه در میان اقسام مقررات از اهمیت و فراوانی قابل توجهی برخوردار است. آیین‌نامه مشتمل بر سه نوع است: ۱- آیین‌نامه‌های اجرایی قانون ۲- آیین‌نامه‌های جایگزین قانون ۳- آیین‌نامه‌های مستقل. در این تقسیم‌بندی، آیین‌نامه اجرایی آیین‌نامه‌ای است که مقام‌های اداری برخوردار از صلاحیت وضع آیین‌نامه، برای تشریح جزئیات قانون مصوب مجلس وضع می‌کنند. آیین‌نامه‌های اجرایی گاهی به دستور صریح قانونگذار وضع می‌شود و زمانی به تشخیص خود مقام اداری، در صورتی که اجرای قانون را بدون وضع آیین‌نامه ممکن نداند.

۱. ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی: کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و یا مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود.

آیین‌نامه جایگزین قانون یا تفویضی نیز آیین‌نامه‌هایی هستند که قانون‌گذار با اجازه صریح خود، تدوین آنها را به قوه‌ی مجریه واگذار کرده است. این قبیل آیین‌نامه‌ها ماهیتاً با قانون فرقی ندارند؛ البته چنین آیین‌نامه‌هایی در نظام حقوقی ایران به رسمیت شناخته نشده است. آیین‌نامه مستقل نیز آیین‌نامه‌ای است که از طرف مقامات صلاحیتدار اداری به منظور انجام وظایف اداری، تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری خود، رأساً و بدون اجازه قانونگذار وضع می‌گردد. از سوی دیگر، بخشنامه به تعلیمات اداری مقامات مافوق به مقامات مادون اطلاق می‌شود که در واقع تفسیر اجرایی از قانون یا شیوه اجرای قانون را برای مقامات مادون تعیین می‌کند.

نظر به ماهیت مقررات اداری که می‌تواند حقوق اشخاص را مورد تعرض قرار دهد، در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران طرق مختلف برای نظارت بر این مقررات پیش‌بینی شده است که در فصول آتی این کتاب به شرح آنها پرداخته می‌شود.

ب- اداره وزارتخانه

همانطور که پیش‌تر گفته شد، در رأس هر وزارتخانه یک وزیر قرار دارد که اداره امور آن وزارتخانه را مستقلاً برعهده دارد. وزیر در اداره وزارتخانه زیرنظر خود دارای صلاحیت‌های ذیل است:

۱- صلاحیت سازمانی: وزیر صلاحیت دارد برای اداره مطلوب وزارتخانه زیرنظر خود در حدود اعتبارات بودجه سنواتی و رعایت الزامات قانونی، از جمله حسب مورد أخذ موافقت سازمان امور اداری و استخدامی کشور، به نحو مقتضی در سازمان ادارات و واحدها و دوایر وزارتخانه تحت مدیریتش تغییرات لازم را اعمال کند.

۲- صلاحیت استخدامی: استخدام نیروی انسانی در هر وزارتخانه در چارچوب قوانین و مقررات و مجوزهای صادرشده از سوی سازمان اداری و استخدامی کشور از اختیارات وزیر است.

۳- صلاحیت تصمیم‌گیری: جز در مواردی که به دلیل اهمیت موضوع،

قانون اساسی اتخاذ تصمیم را منوط به أخذ نظر موافق هیأت وزیران یا مجلس کرده باشد، مانند صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به دآوری (موضوع اصل ۱۳۹ قانون اساسی)، وزیر در حدود صلاحیت قانونی خود می‌تواند رأساً تصمیمات لازم را اتخاذ کند.

۴- صلاحیت نظارتی: به منظور انجام صحیح وظایف و جلوگیری از انحراف وزارتخانه از اهداف و وظایف قانونی خود، وزیر بر کلیه واحدها و کارکنان وزارتخانه نظارت دارد. این نظارت می‌تواند به صورت پیشگیرانه و از طریق صدور بخشنامه یا تعلیمات اداری به مقامات مادون صورت گیرد، یا به صورت پسینی و از طریق اعمال ضمانت اجراهای لازم. در این راستا، وزیر می‌تواند به نحو مقتضی نسبت به اصلاح یا ابطال تصمیمات مقامات مادون خود اقدام کند.

۵- صلاحیت حقوقی و قضائی: وزیر نماینده‌ی حقوقی و قضائی وزارتخانه به شمار می‌رود. از این روی، وزیر می‌تواند به نمایندگی از دولت قرارداد امضا کند، برای حفظ منافع دولت در دادگستری اقامه دعوا کند یا در مقام دفاع از دعاوی اقامه‌شده علیه دولت برآید.

۶- اختیار مالی: با توجه به نقش وزیر در وزارتخانه، مدیریت دخل و خرج و نظارت مالی بر درآمدها و مخارج وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی وابسته به آنها از نظر انطباق با قوانین در وهله اول برعهده وزیر مربوط است.

مبحث سوم: هیأت وزیران

به تبع جایگاه و نقش والای رئیس‌جمهوری و وزیران در نظام سیاسی و اداری کشور، هیأت وزیران به عنوان یکی از ارکان اصلی قوه مجریه به شمار می‌آید. بر این اساس، در ادامه به تبیین جایگاه، مسئولیت و صلاحیت‌های این هیأت در نظام سیاسی پرداخته می‌شود.

بند اول: جایگاه هیأت وزیران

هیأت وزیران متشکل از رئیس‌جمهوری و وزیران است و ریاست آن با

رئیس‌جمهوری و در غیاب او، با معاون اول رئیس‌جمهوری است. از سوی دیگر، به استناد ماده ۲ آیین‌نامه داخلی هیأت دولت - مصوب ۱۳۶۸-، علاوه بر رئیس‌جمهوری و وزیران، معاون اول رئیس‌جمهوری، معاون حقوقی و امور مجلس^۱ و معاون اجرایی رئیس‌جمهوری، رئیس سازمان برنامه و بودجه، رئیس سازمان امور اداری و استخدامی کشور، رئیس سازمان صدا و سیما، رئیس کل بانک مرکزی و دبیر هیأت دولت، مقام‌هایی‌اند که بدون حق رأی از حق حضور دائم در جلسات هیأت دولت برخوردارند.

مبتنی بر ترکیب ذکر شده، تردیدی در اهمیت هیأت وزیران در ساختار نظام سیاسی و اداری کشور نیست و پس از رئیس‌جمهوری باید هیأت وزیران را به عنوان عالی‌ترین مرجع قوه مجریه به شمار آورد.

بند دوم: مسئولیت‌های هیأت وزیران

با عنایت به اهمیت هیأت وزیران در نظام سیاسی ایران، به استناد اصل ۸۹ قانون اساسی، هیأت وزیران در برابر مجلس مسئول است و «نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیأت وزیران ... را استیضاح کنند.» همچنین، بر طبق اصل ۱۳۴ قانون اساسی، ریاست هیأت وزیران با رئیس‌جمهوری است و از این جهت هیأت وزیران در برابر رئیس‌جمهوری مسئول است. علاوه بر این، با توجه به اصل ۱۷۳ قانون اساسی، امکان شکایت از تصمیمات هیأت وزیران در زمینه تخلف از وظایف قانونی یا خارج شدن از اختیارات قانونی، در دیوان عدالت اداری وجود دارد و این هیأت در برابر دیوان مسئولیت قضایی دارد.

بند سوم: صلاحیت‌های هیأت وزیران

نظر به گستردگی وظایف هیأت وزیران اهم صلاحیت‌های این هیأت ذکر خواهند شد:

الف- تصویب لوایح قانونی برای ارائه به مجلس

به موجب اصل ۷۴ قانون اساسی، «لوايح قانونی پس از تصویب هیأت

۱. اکنون این عنوان بر دو مقام صدق می‌کند: معاون حقوقی و معاون امور مجلس.

وزیران به مجلس تقدیم می‌شود».

ب- وضع تصویب‌نامه

به تصریح اصل ۱۳۸ قانون اساسی هیأت وزیران از جمله مهم‌ترین مراجع صلاحیت‌دار وضع مقررات و مصوبات لازم‌الاجرا به شمار می‌آید. در این زمینه لازم به ذکر است که از مصوبات هیأت وزیران بعضاً به عنوان «تصویب‌نامه» یاد می‌شود که این تصویب‌نامه‌ها حسب مورد می‌توانند نوعی (عام‌الشمول) یا موردی (خاص و ناظر بر مصداق مشخص) باشد. به عنوان نمونه، علاوه بر آیین‌نامه‌های مصوب هیأت وزیران (تصویب‌نامه نوعی)، هیأت وزیران مرجع صلاحیت‌دار جهت اعطای تابعیت ایران به اتباع خارجی است.

پ- تصویب اجازه صلح دعاوی یا ارجاع دعوا به داوری

مطابق اصل ۱۳۹ قانون اساسی، صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری (نه طرح دعوا در مراجع قضایی) در هر مورد موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس نیز برسد. همچنین در مواردی که طرف دعوا خارجی باشد و موارد مهم داخلی، باید به تصویب مجلس نیز برسد.

ت- حل اختلاف بین دستگاه‌های اجرایی

بر طبق اصل ۱۳۴ قانون اساسی، در موارد اختلاف نظر یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی و در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیأت وزیران که به پیشنهاد رئیس‌جمهوری اتخاذ می‌شود، لازم‌الاجراست. البته، اکنون به موجب «آیین‌نامه چگونگی رفع اختلاف بین دستگاه‌های اجرایی از طریق سازوکارهای داخلی قوه مجریه» -مصوب ۱۳۸۶- و شیوه‌نامه اجرایی آن، این صلاحیت حسب مورد توسط رؤسای دستگاه‌های اجرایی، وزرا، استانداران، معاونت حقوقی رئیس‌جمهوری و هیأت وزیران اعمال می‌گردد. در خصوص این صلاحیت لازم به ذکر است که اگر حل اختلاف نیاز به تفسیر یا تغییر قانون داشته باشد، هیأت وزیران باید با تقدیم لایحه به مجلس و از طریق وضع یا اصلاح قانون به حل اختلاف بپردازد.



فصل هفتم: ساختار و صلاحیت‌های قوه مقننه

فصل ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به قوه مقننه اختصاص یافته است. این فصل مشتمل بر ۳۷ اصل است که از اصول ۶۲ تا ۹۹ را در بر می‌گیرد. در ذیل این فصل قانون اساسی، ساختار و صلاحیت‌های مجلس شورای اسلامی تبیین شده است. با این مقدمه، در ادامه به شرح ساختار و صلاحیت‌های ارکان ذکر شده پرداخته می‌شود:

بند اول: ساختار مجلس شورای اسلامی

بر طبق اصل ۶۲ قانون اساسی، نمایندگان مجلس بدنه اصلی مجلس را تشکیل می‌دهند. همچنین، اصل ۶۶ قانون اساسی ترتیب انتخاب «رییس و هیأت ریسه مجلس و تعداد کمیسیون‌ها و دوره تصدی آنها و امور مربوط به مذاکرات و انتظامات مجلس» را در صلاحیت آیین‌نامه داخلی مجلس دانسته است. لذا، با بررسی ساختار مجلس می‌توان ارکان ذیل را شناسایی کرد:

الف- نمایندگان مجلس

نمایندگان اصلی‌ترین رکن مجلس شورای اسلامی به شمار می‌آیند.

مطابق اصل ۶۲ قانون اساسی، مجلس از نمایندگان ملت که به صورت مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌شود. انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان، باید دارای شرایطی باشند که این شرایط در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی تعیین شده است.

بر اساس اصل ۶۳ قانون اساسی، دوره نمایندگی در مجلس شورای اسلامی، چهار سال است. همچنین، مطابق اصل ۶۴ قانون اساسی تعداد نمایندگان مجلس ۲۷۰ نفر است که هر ده سال، امکان اضافه شدن ۲۰ نفر به تعداد فوق وجود دارد. البته این اختیار، یک مرتبه اعمال شده است و از این رو، اکنون تعداد نمایندگان مجلس ۲۹۰ نفر است. مطابق اصل ۸۶ قانون اساسی، نمایندگان در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود آزادند در تمامی مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر کنند و رأی دهند. نتیجه این آزادی آن است که نمی‌توان آنها را به سبب نظرانی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند، تعقیب یا توقیف کرد.

ب- رئیس مجلس

مبتنی بر اصول مختلف قانون اساسی همچون اصول ۶۶، ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی، رئیس مجلس شورای اسلامی به عنوان یکی از ارکان مهم مجلس قابل شناسایی است. در سطح قانون عادی، نیز مواد مختلفی از قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی به کارویژه‌ها و کارکردهای رئیس مجلس ارجاع دارد. به استناد قانون آیین‌نامه داخلی مجلس می‌توان موارد ذیل را به عنوان مهم‌ترین صلاحیتهای رئیس مجلس نام برد:

حفظ انتظام و امنیت محوطه مجلس (ماده ۶)، اداره جلسات مجلس، اداره کلیه امور اداری، مالی، استخدای و سازمانی مجلس، امضای کلیه نامه‌های مربوط به امور قانون‌گذاری و پارلمانی مجلس، حضور در نهادهای قانونی، ارائه گزارش کامل هر سه ماه یک‌بار به نمایندگان

درباره تصمیمات و اقدامات هیأت رئیسه درباره مسائل مختلف مربوط به مجلس و واحدهای تابعه آن (بندهای ۱ تا ۶ ماده ۲۰).

پ- هیأت رئیسه مجلس

پس از رئیس، هیأت رئیسه از جمله مهم‌ترین ارکان مجلس به شمار می‌رود که در اصل ۶۶ قانون اساسی بدان اشاره شده است. هیأت رئیسه مرکب از رئیس، دو نائب رئیس، شش دبیر و سه ناظر است. در قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی وظایف متعددی برای هیأت رئیسه مجلس پیش‌بینی شده است (ماده ۲۲) که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان این موارد را برشمرد: نظارت بر کلیه امور اداری، مالی، استخدامی و سازمانی مجلس، تصویب بودجه پیشنهادی سالانه مجلس و ارجاع آن به کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس به منظور طی مراحل قانونی، تهیه و تنظیم برنامه هفتگی مجلس و

ت- کمیسیون‌های داخلی مجلس

کمیسیون‌های داخلی مجلس یکی دیگر از ارکان مجلس شورای اسلامی است که به دو گونه تقسیم می‌شوند: کمیسیون‌های خاص و کمیسیون‌های تخصصی. کمیسیون‌های نوع نخست، خود به شش نوع کمیسیون تقسیم می‌شوند که مطابق مواد ۳۹ تا ۴۴ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی عبارت است از: ۱- کمیسیون مشترک (در خصوص بررسی طرح‌ها و لوایحی که به تشخیص هیأت رئیسه، به دو یا چند کمیسیون ارتباط اساسی داشته باشند) ۲- کمیسیون ویژه (در خصوص رسیدگی و تهیه گزارش درباره مسائل مهم و استثنایی که برای کشور پیش می‌آید) ۳- کمیسیون تلفیق (به منظور تنظیم اصول و مفاد برنامه‌های توسعه و لوایح بودجه کل کشور) ۴- کمیسیون تحقیق (به منظور بررسی اعتبارنامه‌هایی که توسط شعب مورد تأیید قرار نگرفته و یا از سوی نمایندگان مورد اعتراض قرار گرفته باشند) ۵- کمیسیون آیین‌نامه داخلی مجلس (با هدف رسیدگی به طرح‌هایی که مربوط

به اصلاح قانون آیین‌نامه داخلی مجلس می‌شود) ۶- کمیسیون اصل نودم (۹۰) قانون اساسی (وظیفه رسیدگی و بررسی شکایات از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه را بر عهده دارد).

کمیسیون‌های نوع دوم یا اصطلاحاً کمیسیون‌های تخصصی به ۱۳ کمیسیون تقسیم می‌شود که مطابق مواد ۴۶ تا ۵۸ آیین‌نامه داخلی مجلس عبارت است از: ۱- کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری ۲- کمیسیون اجتماعی ۳- کمیسیون اقتصادی ۴- کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی ۵- کمیسیون انرژی ۶- کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات ۷- کمیسیون بهداشت و درمان ۸- کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها ۹- کمیسیون صنایع و معادن ۱۰- کمیسیون عمران ۱۱- کمیسیون فرهنگی ۱۲- کمیسیون قضایی و حقوقی ۱۳- کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست. وظایف این کمیسیون‌ها در ماده ۴۵ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس در هفت بند تبیین شده که عبارت است از: بررسی طرح‌ها و لوایح ارجاعی و گزارش آن به مجلس شورای اسلامی، بررسی و تصویب آزمایشی طرح‌ها و لوایح و تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت، رسیدگی به درخواست‌های تحقیق و تفحص، رسیدگی به سؤال نمایندگان از رئیس‌جمهوری و وزیران، بررسی موارد ارجاعی از لوایح برنامه توسعه و بودجه سالانه، کسب اطلاع از کم و کیف اداره امور کشور، دریافت و بررسی گزارش‌های عملکردی و نظارتی از اجرای قوانین مربوط به دستگاه‌های ذی‌ربط و تهیه گزارش موردی و سالانه در خصوص امور اجرایی دستگاه‌ها و نحوه اجرای قوانین خصوصاً قانون برنامه توسعه و بودجه سالانه و ارائه پیشنهاد نحوه اصلاح آن و تقدیم گزارش به مجلس.

ث- تشکیلات اداری و پشتیبانی مجلس

تشکیلات اداری و پشتیبانی مجلس زیرنظر رئیس مجلس شورای اسلامی

اداره می‌شود و اکنون دارای سه معاونت قوانین، نظارت و اجرایی است.

بند دوم: صلاحیت‌های مجلس شورای اسلامی

بررسی اصول مربوط به فصل قوه مقننه گویای آن است که دو نوع صلاحیت اصلی، مشتمل بر تقنینی و نظارتی برای مجلس قابل تصور است. در ادامه به شرح این صلاحیت‌ها پرداخته می‌شود:

الف- صلاحیت تقنینی

قانون‌گذاری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران از دو طریق مجلس شورای اسلامی و برگزاری همه‌پرسی امکان‌پذیر است. در قانون‌گذاری توسط مجلس که در اصل ۵۸ قانون اساسی آمده است، نمایندگان منتخب مردم در مجلس، اقدام به قانون‌گذاری می‌کنند و در قانون‌گذاری از طریق همه‌پرسی که در اصل ۵۹ قانون اساسی مطرح شده است، مردم مستقیماً به تصمیم‌گیری می‌پردازند. البته لازمه قانون‌گذاری از طریق همه‌پرسی، تصویب درخواست مراجعه به همه‌پرسی توسط حداقل دوسوم مجموع نمایندگان مجلس و تأیید مصوبه موضوع همه‌پرسی توسط شورای نگهبان از جهت عدم مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع است.

در خصوص صلاحیت قانون‌گذاری مجلس اشاره به این نکته لازم است که اجمالاً مجلس دو نوع صلاحیت تقنینی خاص و عام دارد. صلاحیت تقنینی خاص آن مواردی را شامل می‌شود که مشخصاً قانون اساسی تصویب برخی موضوعات را نیازمند تصویب مجلس دانسته است. به عنوان نمونه، مطابق اصل ۷۷ قانون اساسی، عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. اصل ۷۸ قانون اساسی نیز اصلاحات جزئی در خطوط مرزی را با تصویب چهار پنجم نمایندگان مجلس امکان‌پذیر دانسته است. به موجب اصل ۷۹ قانون اساسی، در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن برقراری محدودیت‌های ضروری در کشور با تصویب

مجلس ممکن دانسته شده است. مطابق اصل ۸۰ قانون اساسی، أخذ و اعطای وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید به تصویب مجلس برسد. مطابق اصل ۸۲ قانون اساسی، استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت نیز صرفاً در موارد ضروری و با تصویب مجلس امکان‌پذیر است. اصل ۸۳ قانون اساسی نیز بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی باشند را صرفاً با دو شرط قابل انتقال به دیگران دانسته است: یکی آنکه این انتقال با تصویب مجلس باشد و دیگری آنکه بناها و اموال مذکور، جزء نفایس منحصر به فرد نباشد.

در مقابل و مستند به اصل ۷۱ قانون اساسی که مقرر داشته است مجلس شورای اسلامی در حدود مقرر در قانون اساسی مجاز به قانونگذاری در عموم مسائل است، مجلس صلاحیت عام قانونگذاری دارد و در هر حوزه‌ای که نیاز به قانونگذاری باشد، می‌تواند در حدود مقرر در قانون اساسی اقدام به قانونگذاری کند.

با عنایت به نکته فوق، در ادامه به تبیین مراحل و فرآیند قانونگذاری توسط مجلس شورای اسلامی پرداخته می‌شود. در این زمینه، اجمالاً می‌توان مراحل پنج‌گانه ذیل را مورد شناسایی قرار داد:

۱- ابتکار یا پیشنهاد قانون: بر طبق اصول مختلف قانون اساسی ابتکار یا پیشنهاد قانون از طریق طرح نمایندگان مجلس، لایحه دولت، لایحه قضایی رئیس قوه قضائیه و طرح‌های تهیه‌شده از سوی شورای عالی استان‌ها امکان‌پذیر است.

به موجب اصل ۷۴ قانون اساسی، در صورت پیشنهاد طرح از سوی حداقل پانزده نفر از نمایندگان، موضوع در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است. البته در این موارد به استناد اصل ۷۵ قانون اساسی اگر محتوای طرح‌های فوق به‌گونه‌ای باشد که منجر به تقلیل درآمدهای عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی شوند، باید طریقه جبران کاهش این درآمدها یا تأمین این هزینه‌ها در آن مشخص شده باشد.

اصل ۷۴ لوایح قانونی را نیز پس از تصویب هیأت وزیران قابل طرح

در مجلس دانسته است. در این زمینه، به استناد ماده ۱۹ آیین‌نامه داخلی هیأت دولت -مصوب ۱۳۶۸-، تنظیم و تدوین پیش‌نویس لوایح و تصویب‌نامه‌ها بر عهده دفتر هیأت دولت است که زیر نظر معاون اول رئیس‌جمهوری فعالیت می‌کند.

بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی نیز یکی از وظایف رئیس قوه قضائیه را تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی دانسته است. این لوایح به دولت ارائه و پس از تصویب در هیأت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود. طبق تبصره الحاقی (۱۳۹۲) ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه -مصوب ۱۳۷۸-، پس از گذشت شش ماه از ارائه لایحه قضائی به دولت و عدم ارسال آن به مجلس توسط دولت، رئیس قوه قضائیه می‌تواند آن را مستقیماً به مجلس ارائه کند. در این زمینه لازم به ذکر است به موجب نظر تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان، هیأت دولت نمی‌تواند مستقلاً لایحه قضائی تنظیم کند و آن را به منظور تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال کند.

شورای عالی استان‌ها نیز به استناد اصل ۱۰۲ قانون اساسی، امکان تهیه طرح در حدود وظایف خود را یافته است. در این موارد این شورا می‌تواند طرح‌های تهیه‌شده را مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی ارسال کند.

۲- بررسی و تصویب قانون: بررسی و تصویب قانون در مجلس ممکن است به صورت عادی یا فوری باشد. مطابق اصل ۶۹ قانون اساسی، مذاکرات نمایندگان مجلس درباره طرح‌ها و لوایح باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. البته در شرایط اضطراری و در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس‌جمهوری، یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیر علنی تشکیل می‌شود.

مطابق اصل ۷۰ قانون اساسی، حضور رئیس‌جمهوری، معاونان او،

وزیران و مشاوران ایشان در جلسات علنی مجلس مجاز است. لذا، این مقامات می‌توانند هنگام بحث و بررسی نمایندگان درباره طرح‌ها و لوایح در جلسات مجلس حضور یابند.

نصاب لازم برای تصویب طرح‌ها و لوایح، مطابق قانون آیین‌نامه داخلی مجلس است. در این زمینه مطابق ماده ۱۱۵ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی- مصوب ۱۳۷۹-، اکثر مصوبات مجلس با نصاب اکثریت مطلق (نصف به علاوه یک نمایندگان حاضر در جلسه) به تصویب خواهد رسید. البته مطابق ذیل اصل ۶۵ قانون اساسی، این قاعده کلی استثنائاتی دارد: یکی در مورد تصویب آیین‌نامه داخلی است که نصاب دوسوم نمایندگان حاضر در مجلس لازم است و دیگری مواردی است که برای تصویب آنها، در قانون اساسی حد نصاب خاصی مشخص شده است. به عنوان مثال، مطابق ذیل اصل ۵۹ قانون اساسی، درخواست مراجعه به آرای مردم در جریان همه‌پرسی، باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان برسد. علاوه بر این، مطابق اصل ۶۸ قانون اساسی، در زمانی که کشور با جنگ و اشغال نظامی روبه‌رو شده است، با پیشنهاد رئیس‌جمهوری و تصویب سه‌چهارم مجموع نمایندگان مجلس، انتخابات در نقاط اشغال‌شده یا سراسر کشور، برای مدت زمان مشخصی متوقف می‌شود. همچنین بر اساس اصل ۶۹ این قانون، با توجه به اینکه اصل بر تصویب مصوبات در جلسات علنی مجلس است، در صورتی که نمایندگان قصد تصویب مصوبه‌ای را در جلسه غیر علنی مجلس داشته باشند، باید آن مصوبه را در حضور اعضای شورای نگهبان و با نصاب سه‌چهارم مجموع نمایندگان به تصویب برسانند. نصاب خاص دیگری که در اصل ۷۸ قانون اساسی ذکر شده، نصاب چهارپنجم مجموع نمایندگان مجلس است که درباره اصلاحات جزئی در خطوط مرزی مشروط به رعایت مصالح کشور، یک‌طرفه نبوده و وارد نساختن لطمه به استقلال و تمامیت ارضی کشور اعمال می‌شود.

۳- نظارت بر مصوبات مجلس: با توجه به ضرورت اسلامی بودن

نظام حقوقی و از سوی دیگر لزوم رعایت سلسله‌مراتب قواعد حقوقی، مصوبات مجلس شورای اسلامی نباید با موازین شرع و قانون اساسی مغایر باشند. به منظور حصول این هدف، قانون‌گذار اساسی در اصول مختلف همچون اصول ۷۱، ۷۲، ۹۱، ۹۴ و ۹۶ قانون اساسی، وظیفه پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی را بر عهده شورای نگهبان دانسته است. بر این اساس، پس از تصویب قانون در مجلس شورای اسلامی، مصوبه مجلس برای شورای نگهبان ارسال خواهد شد و این شورا ظرف ۱۰ روز و در صورت نیاز به تمدید مهلت (استمهال)، حداکثر ظرف ۲۰ روز اقدام به تطبیق مصوبه مجلس با قانون اساسی و موازین شرع می‌کند.

شورای نگهبان پس از بررسی مصوبه مجلس، نظر خود را به مجلس شورای اسلامی ارسال می‌کند و در صورتی که در مهلت مقرر نسبت به مصوبه مجلس ایراد نگیرد، مصوبه جهت ابلاغ، انتشار و اجرا برای رئیس‌جمهوری ارسال می‌شود.

همچنین مطابق ماده ۲۰۰ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، در صورتی که مجلس با در نظر گرفتن حفظ مصلحت نظام، برخلاف نظر شورای نگهبان همچنان بر رأی خود باقی باشد، رئیس مجلس مصوبه مذکور را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال می‌دارد و مجمع موظف است اظهارنظر کند و نظر خود را برای طی مراحل بعدی به رئیس مجلس اعلام کند.

۴- امضای قوانین و ابلاغ برای اجرا: مطابق اصل ۱۲۳ قانون اساسی، «رئیس‌جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضا کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد.» بنا بر قانون عادی، آنچه در این اصل بر عهده رئیس‌جمهوری نهاده شده صلاحیت تکلیفی است و نه اختیاری؛ چنانکه ماده ۱ قانون مدنی در این رابطه مقرر داشته است: «مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه‌پرسی پس از طی

مراحل قانونی به رئیس‌جمهور ابلاغ می‌شود. رئیس‌جمهور باید ظرف مدت پنج روز آن را امضاء و به مجریان ابلاغ نماید و دستور انتشار آن را صادر کند و ...» تبصره ماده مذکور نیز مقرر داشته است: «در صورت استنکاف رئیس‌جمهور از امضاء یا ابلاغ در مدت مذکور در این ماده، به دستور رئیس مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نماید.»

۵- انتشار قانون در روزنامه رسمی: بر طبق ماده ۳ قانون مدنی، «انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی بعمل آید.» همچنین مطابق ماده ۱ قانون مزبور، روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ مصوبه مجلس توسط رئیس‌جمهوری یا دستور رئیس مجلس شورای اسلامی، آن را منتشر نماید. به موجب ماده ۲ قانون مدنی، «قوانین پانزده روز پس از انتشار، در سراسر کشور لازم‌الاجرا است؛ مگر آنکه در خود قانون ترتیب خاصی برای اجرا مقرر شده باشد.» بدیهی است که پس از گذشت این مدت، قانون لازم‌الاجرا شده و در محاکم نیز قابل استناد است و ادعای جهل به آن مسموع نخواهد بود.

ب- صلاحیت نظارتی

علاوه بر قانونگذاری، بخش قابل توجهی از صلاحیت‌های مجلس به صلاحیت نظارتی مجلس اختصاص دارد. با این مقدمه، در ادامه به معرفی اهم مصادیق این صلاحیت مجلس پرداخته می‌شود:

۱- رأی اعتماد به وزیر و هیأت وزیران: مطابق اصول ۸۷ و ۱۳۳ قانون اساسی، رئیس‌جمهوری باید پس از تعیین وزرا و تشکیل هیأت وزیران و قبل از انجام هر کار دیگری، برای وزیران از مجلس رأی اعتماد اخذ کند. همچنین، پس از آغاز فعالیت وزرا نیز رئیس‌جمهوری می‌تواند در خصوص موضوعات مهم و مورد اختلاف، برای هیأت وزیران از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند. مبتنی بر این صلاحیت، مجلس بر

فرآیند انتخاب وزیر و هیأت وزیران به عنوان بخشی از مهم‌ترین ارکان قوه مجریه نظارت مؤثر دارد.

۲- سؤال از وزرا یا رئیس‌جمهوری: مطابق اصل ۸۸ قانون اساسی، هر یک از نمایندگان مجلس می‌توانند از هر یک از وزرا سؤال بپرسند. در این زمینه، به موجب مواد ۲۰۷ تا ۲۰۹ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، ابتدا سؤال از وزیر به کمیسیون تخصصی مرتبط ارجاع می‌شود و کمیسیون مزبور موظف است جلسه‌ای را با حضور نماینده سؤال‌کننده و وزیری که مورد سؤال واقع شده ترتیب دهد. در صورت قانع نشدن نماینده از پاسخ وزیر، وزیر باید در صحن مجلس حاضر شود و به سؤال مزبور پاسخ گوید. اگر اکثر نمایندگان مجلس از پاسخ وزیر قانع نشوند، اولاً رئیس مجلس موظف است موضوع را به منظور رسیدگی به رئیس‌جمهوری ارجاع دهد و ثانیاً در صورتی که در هر دوره مجلس، سه مرتبه این اتفاق بیفتد، طرح استیضاح وزیر با طی ترتیبات قانونی استیضاح در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد. در خصوص سؤال از رئیس‌جمهوری، طرح سؤال منوط به درخواست یک‌چهارم کل نمایندگان مجلس است.

۳- استیضاح وزیر، هیأت وزیران یا رئیس‌جمهوری: مطابق بند «ا» اصل ۸۹ قانون اساسی، نمایندگان مجلس می‌توانند هیأت وزیران یا هر یک از وزیران را استیضاح کنند. حد نصاب لازم برای طرح استیضاح در مجلس، امضای حداقل ده نفر از نمایندگان است. پس از این مرحله، هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح، موظف است تا ظرف ده روز در مجلس حاضر شوند و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد بخواهند. پس از توضیحات هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح، مجلس، عدم اعتماد به ایشان را به رأی می‌گذارد و در صورتی که اکثریت مجلس، رأی به عدم اعتماد دهند، هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح، عزل خواهند شد. وزیر یا وزیران معزول به وسیله استیضاح، نمی‌توانند به عنوان عضوی از هیأت وزیران بعدی

از سوی رئیس‌جمهوری به مجلس معرفی شوند. مطابق ماده ۲۲۱ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، موضوع استیضاح باید به صورت صریح و با ذکر مورد یا موارد، مشخص و به صورت کتبی تنظیم و به هیأت رئیسه تسلیم شود. هیأت رئیسه نیز موظف است بلافاصله طرح استیضاح را به کمیسیون تخصصی ذی‌ربط ارجاع کند. کمیسیون مذکور نیز باید حداکثر ظرف یک هفته ضمن اطلاع‌رسانی به استیضاح‌کنندگان و دعوت کتبی وزیر مربوط، موارد استیضاح را بررسی کند. وزیر نیز باید ظرف ده روز در مجلس حاضر شود.

همچنین، مطابق بند «۲» اصل ۸۹ قانون اساسی، برای طرح استیضاح رئیس‌جمهوری در مجلس، موافقت حداقل یک‌سوم از مجموع نمایندگان لازم است. در صورتی که چنین نصابی حاصل شود، رئیس‌جمهوری موظف است ظرف مدت یک ماه پس از طرح استیضاح، در مجلس حاضر شود و درباره موضوع استیضاح از عملکرد خود دفاع کند. پس از توضیحات رئیس‌جمهوری، موضوع عدم کفایت او به رأی گذاشته می‌شود و در صورتی که بیش از دوسوم کل نمایندگان به عدم کفایت وی رأی دهند، مراتب به منظور اجرای بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی (عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور) برای مقام رهبری ارسال خواهد شد.

مطابق ماده ۲۲۹ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، نمایندگان مجلس می‌توانند رئیس‌جمهوری را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند. تقاضای استیضاح مطابق با ماده ۲۳۰ قانون فوق، باید با ذکر موارد، صریح، روشن و مستدل باشد و رئیس‌جمهوری نیز موظف است ظرف یک ماه در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده، توضیحات لازم را ارائه دهد.

۴- نظارت کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی: به موجب اصل ۹۰ قانون

اساسی، «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضاییه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند».

از آنجا که امکان بررسی شکایات و رسیدگی به آنها توسط تمامی نمایندگان مجلس امکان‌پذیر نیست، در قانون آیین‌نامه داخلی مجلس مقرر شده است کمیسیونی با عنوان کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی، این وظیفه را برعهده گیرد. مطابق ماده ۴۴ قانون مزبور، از هر کمیسیون تخصصی، یک نفر در این کمیسیون حضور دارد و علاوه بر این، هشت نفر از سایر نمایندگان مجلس، به عنوان اعضای ثابت این کمیسیون انتخاب می‌شوند.

۵- تحقیق و تفحص: اصل ۷۶ قانون اساسی در قالب عباراتی موجز

و مختصر، به مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را داده است. سازوکار تحقیق و تفحص در قانون آیین‌نامه داخلی مجلس توضیح داده شده است. مطابق ماده ۲۱۲ قانون مذکور، امکان ارائه درخواست تحقیق و تفحص، توسط هر یک از نمایندگان مجلس به هیأت رئیسه مجلس وجود دارد. هیأت رئیسه مجلس موظف است درخواست مذکور را به کمیسیون تخصصی ذی‌ربط ارجاع دهد. کمیسیونی که درخواست به آن ارجاع شده است، گزارشی درباره موضوع، تهیه و به هیأت رئیسه مجلس تقدیم می‌کند. این گزارش به رأی نمایندگان گذاشته خواهد شد. در صورتی که موضوع تحقیق و تفحص به تصویب نمایندگان برسد، دوباره به کمیسیون تخصصی ذی‌ربط ارجاع می‌شود تا کمیسیون مذکور،

اعضای هیأت تحقیق و تفحص را که شامل حداقل یازده و حداکثر پانزده نفر است، تعیین کند. این هیأت موظف است ظرف مدت شش ماه، تحقیق و تفحص را انجام و گزارش آن را به کمیسیون ارائه دهد. کمیسیون پس از بررسی گزارش، اقدام به تهیه گزارش نهایی به منظور قرائت در مجلس می‌کند. این گزارش توسط سخنگوی کمیسیون در صحن علنی مجلس قرائت خواهد شد.

علاوه بر ضمانت اجرای فوق، در دستور قرار گرفتن طرح استیضاح وزیر ذی‌ربط (در صورت وجود شرایط مقرر در قانون اساسی) و معرفی متخلف یا متخلفان به قوه قضائیه یا مرجع رسیدگی به تخلفات اداری، ضمانت اجرای دیگری هستند که در مواد ۲۱۳ و ۲۱۴ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس برای تحقیق و تفحص مجلس در نظر گرفته شده‌اند.

۶- نظارت رئیس مجلس بر تطبیق مصوبات دولت با قوانین: اصل ۱۳۸

قانون اساسی به منظور تضمین انطباق تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر با قوانین عادی مقرر داشته است: «تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بباید با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیأت وزیران بفرستد.» این سازوکار در ذیل اصل ۸۵ قانون اساسی، درباره اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت که توسط هیأت وزیران به تصویب می‌رسد، نیز پیش‌بینی شده است. بر این اساس، رئیس مجلس صلاحیت نظارت بر بخشی از مقررات مصوب دولت از حیث انطباق با قوانین عادی را دارد.

این صلاحیت در ماده واحده قانون «نحوه اجراء اصل ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی» -مصوب ۱۳۶۸- نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در این زمینه، تبصره ۵ ماده واحده فوق مقرر داشته است: «رئیس

مجلس شورای اسلامی به منظور بررسی و اعلام نظر مقدماتی نسبت به تصویب نامه‌های هیأت وزیران و کمیسیون‌های مربوط می‌تواند از وجود کارشناسان خبره در رشته‌های مختلف حقوقی، مالی، اداری و غیره (بدون ایجاد ردیف سازمانی) به عنوان عضو هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین استفاده کند. نظرات و آراء هیأت مزبور جنبه مشورتی دارد و اتخاذ تصمیم نهائی با رئیس مجلس است». لذا، در مقام ایفای این صلاحیت هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین به عنوان بازوی مشورتی رئیس مجلس به شمار می‌آید.

در خصوص ضمانت اجرای نظارت رئیس مجلس نیز توجه به این نکته ضروری است که تبصره ۴ ماده واحده قانون مورد اشاره مقرر داشته است: «چنانچه تمام یا قسمتی از مصوبه مورد ایراد رئیس مجلس شورای اسلامی قرار گیرد و پس از اعلام ایراد به هیأت وزیران، ظرف مدت مقرر در قانون، نسبت به اصلاح یا لغو آن اقدام نشود، پس از پایان مدت مذکور حسب مورد تمام یا قسمتی از مصوبه مورد ایراد، ملغی‌الاثربود».

۷- نظارت مالی دیوان محاسبات کشور: اصل ۵۵ قانون اساسی در خصوص صلاحیت نظارت مالی دیوان محاسبات کشور مقرر می‌دارد: «دیوان محاسبات به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها، موسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریخ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود». مطابق اصل ۵۴ قانون اساسی، این دیوان مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی

قرار دارد و سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استان‌ها به موجب قانون عادی تعیین خواهد شد.

نکته قابل توجه در خصوص دستگاه‌های مشمول نظارت مالی دیوان محاسبات کشور آن است که بر طبق تبصره ماده ۲ قانون دیوان محاسبات کشور- مصوب ۱۳۶۱-، منظور از دستگاه اجرایی مشمول نظارت این دیوان «کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر واحدها که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند و به طور کلی هر واحد اجرایی که بر طبق اصول ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی مالکیت عمومی بر آنها مترتب بشود، می‌باشد. واحدهایی که شمول مقررات عمومی در مورد آنها مستلزم ذکر نام است نیز مشمول این تعریف می‌باشند».



فصل هشتم: ساختار و اختیارات قوه قضائیه

به موجب اصل ۵۷ قانون اساسی، قوه قضائیه یکی از قوای رسمی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران شناخته شده است. در ادامه به تبیین صلاحیت‌های این قوه در قانون اساسی و همچنین جایگاه و نقش رئیس قوه قضائیه، دیوان عالی کشور، دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور پرداخته می‌شود:

مبحث اول: صلاحیت‌های قوه قضائیه در قانون اساسی

اصل ۶۱ قانون اساسی مهم‌ترین نقش قوه قضائیه را در نظام سیاسی کشور «حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی» دانسته است که به وسیله دادگاه‌های دادگستری اعمال می‌شود. در راستای تفصیل این صلاحیت‌ها اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه را قوه‌ای مستقل معرفی کرده که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع. ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین ۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدوّن جزائی اسلام ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

قوه قضائیه صلاحیت‌های مذکور را حسب مورد از طریق مراجع قانونی ذیل این قوه از قبیل دادگاه‌های دادگستری و دادسراها، رئیس قوه

قضائیه، دادستان کل کشور، دیوان عالی کشور، دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور و سایر مراجع وابسته به خود انجام می‌دهد.

مبحث دوم: جایگاه و نقش رئیس قوه قضائیه

به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸، اداره قوه قضائیه برعهده شورای عالی قضایی متشکل از رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور و سه نفر قاضی مجتهد و عادل به انتخاب قضات کشور بود. با توجه به مشکلات ناشی از مدیریت شورایی این قوه و به منظور ایجاد تمرکز در مدیریت آن، در جریان بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره این قوه برعهده رئیس قوه قضائیه قرار گرفت.

در این راستا، اصل ۱۵۷ قانون اساسی مقرر می‌دارد «به منظور انجام مسؤولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری يك نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رییس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است.»

اصل ۱۵۸ قانون اساسی در مقام تبیین وظایف رئیس قوه قضائیه، صلاحیت‌های ذیل را برای آن مقام شناسایی کرده است:

۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسؤولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم ۲- تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی ۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

البته با توجه به عبارت ذیل اصل ۱۶۰ قانون اساسی «رییس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزرا به عنوان

عالی‌ترین مقام اجرایی پیش‌بینی می‌شود.»

مبحث سوم: جایگاه و نقش دیوان عالی کشور

ضرورت پیش‌بینی مرجعی عالی و قضایی جهت اعمال نظارت بر دادگاه‌های دادگستری موجب شد تا در جریان تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دیوان عالی کشور در رأس نظام قضایی کشور پیش‌بینی شود. مستند به اصل ۱۶۲ قانون اساسی، رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور مجتهدی عادل و آگاه به امور قضایی را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس دیوان عالی کشور منصوب می‌کند. اصل ۱۶۱ قانون اساسی در مقام شناسایی صلاحیت‌های این مرجع، دیوان عالی کشور را به عنوان مسئول نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه‌ی قضایی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود، معرفی کرده است. در خصوص صلاحیت مذکور لازم به ذکر است که بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، نظارت بر حسن اجرای قوانین را به صورت مطلق در صلاحیت قوه قضائیه قرار داده است. در مقام تشریح و تبیین این صلاحیت قوه قضائیه، اصل ۱۶۱ قانون اساسی، نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم را در صلاحیت دیوان عالی کشور دانسته است.

با عطف توجه به جایگاه دیوان عالی کشور و اطلاق و عموم صلاحیت آن دیوان جهت نظارت بر حسن اجرای قوانین در «محاکم»، تردیدی نیست که دیوان عالی کشور امکان نظارت بر حسن اجرای قوانین در کلیه محاکم را برعهده دارد.

از سوی دیگر، به استناد صلاحیت مذکور، در صورت بروز تعارض بین آراء محاکم و به منظور ایجاد وحدت رویه قضایی در محاکم، دیوان عالی کشور صلاحیت یافته تا اقدام به صدور آرای وحدت رویه کند. در این زمینه، به استناد ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی-، آرای وحدت رویه برای همه دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع دانسته شده است. علاوه بر صلاحیت‌های

ذکرشده در قانون اساسی برای دیوان عالی کشور، قانونگذار عادی نیز صلاحیت‌های مختلفی از جمله حل اختلاف در صلاحیت مراجع قضایی را برای دیوان عالی کشور پیش‌بینی کرده است و از این جهت بر گستره صلاحیت‌های دیوان عالی کشور افزوده است.

مبحث چهارم: جایگاه و نقش دیوان عدالت اداری

شناسایی حق تظلم‌خواهی برای مردم و امکان دادرسی و پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی آنها در برابر تعدیات مأموران و نهادهای حکومتی، ازجمله بنیادی‌ترین مشخصه‌های یک نظام حقوقی-سیاسی مردم‌سالار و عادلانه است.

بند ۱ اصل ۱۵۶ قانون اساسی نیز صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات و شکایات را ازجمله صلاحیتها و وظایف قوه قضائیه شمرده است. بر این اساس، قانون اساسی در فصل یازدهم (قوه قضائیه) ضمن شناسایی مراجع مختلف قضایی، در اصل ۱۷۳ رسیدگی به «شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین، واحدها و آیین‌نامه‌های دولتی» را برعهده دیوان عدالت اداری قرار داده است. به صراحت عبارت ذیل اصل ۱۷۳ قانون اساسی که در ماده ۱ قانون دیوان عدالت اداری -مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۴۰۲- نیز تکرار شده، جایگاه دیوان عدالت اداری مشخصاً در ذیل رئیس قوه قضائیه ترسیم شده است. مبتنی بر همین حکم، در ماده ۲ قانون اخیرالذکر، تعیین تشکیلات قضائی، اداری و تعداد شعب دیوان با تصویب رئیس قوه قضائیه است و در ماده ۴ این قانون، تعیین رئیس دیوان و قضات در صلاحیت رئیس قوه قضائیه قرار گرفته است.

در مقام تبیین حدود صلاحیت دیوان عدالت اداری توجه به دو نکته ذیل ضروری است:

اولاً؛ به استناد اصل ۱۷۳ قانون اساسی، دیوان عدالت اداری در

نظام قضائی ایران مرجع رسیدگی به شکایات و تظلمات «مردم» از «مأمورین و واحدهای دولتی» است و از این جهت در دیوان اصل بر این است که دعاوی دولت از دولت قابل طرح نیست. البته، در شرایط موجود، در مواردی همچون طرح شکایت از آیین‌نامه‌های دولتی در هیأت عمومی دیوان یا طرح شکایت توسط برخی اشخاص حقوق عمومی در شعب دیوان به صورت استثنایی این قاعده نفی شده است.

ثانیاً؛ با عنایت به عنوان دیوان عدالت اداری و فلسفه تشکیل آن در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، اکنون مطلق شکایات مردم از واحدها و مأموران دولتی قابل طرح در دیوان عدالت اداری نیست و این دیوان صرفاً به شکایاتی رسیدگی خواهد کرد که موضوع دعوا «اداری» باشد. لذا، در صورت بروز دعاوی مدنی یا کیفری بین مردم با مقامات یا مراجع دولتی، رسیدگی به این دعاوی از صلاحیت دیوان عدالت اداری خارج است و حسب مورد در صلاحیت دادگاه‌های مدنی یا کیفری است.

در خصوص شیوه رسیدگی به شکایات در دیوان عدالت اداری تأکید بر این نکته لازم است که بر طبق قانون دیوان عدالت اداری، این دیوان از طریق دو رکن شعب و هیأت عمومی اقدام به رسیدگی به شکایات می‌کند.

مبحث پنجم: جایگاه و نقش سازمان بازرسی کل کشور

با عنایت به بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی که نظارت بر حسن اجرای قوانین را در صلاحیت قوه قضائیه قرار داده است، اصل ۱۷۴ قانون اساسی نظارت بر اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری را در صلاحیت سازمان بازرسی کل کشور دانسته است. در این اصل مقرر شده است: «بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل

می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.»
در راستای اصل مذکور، ماده ۲ قانون سازمان بازرسی کل کشور -
مصوب ۱۳۶۰-، صلاحیتهای این سازمان را شامل بازرسی مستمر کلیه
وزارتخانه‌ها و ادارات، بازرسی فوق‌العاده بر حسب دستور یا درخواست
مقامات و مراجع احصاشده در این قانون و حسب مورد اعلام موارد
تخلف و نارسایی‌ها و سوء جریان‌ات اداری و مالی به مقامات و مراجع
ذی‌ربط دانسته است.



فصل نهم: ساختار و صلاحیت‌های سایر مراجع

علاوه بر قوای سه‌گانه و مراجع ذیل آن، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مراجع دیگری همچون شوراهای محلی، صدا و سیما، شورای عالی امنیت ملی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان شناسایی و واجد صلاحیت دانسته شده‌اند. در ادامه به تبیین ساختار و صلاحیت‌های این مراجع پرداخته می‌شود:

مبحث اول: مجلس خبرگان

به موجب اصل ۱۰۷ قانون اساسی، مجلس خبرگان از منتخبان مردم که از طریق انتخابات مستقیم تعیین می‌شوند، تشکیل می‌شود. اصل ۱۰۸ قانون اساسی، در زمینه شیوه انتخاب خبرگان مقرر کرده است: «قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هرگونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان، در صلاحیت خود آنان است». همچنین، بر طبق اصل ۹۹ قانون اساسی، نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری برعهده شورای نگهبان است.

در قانون اساسی صلاحیت‌های مختلفی به شرح ذیل برای مجلس خبرگان شناسایی شده است:

بند اول: تعیین رهبر

بر طبق اصل ۱۰۷ قانون اساسی «تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند. هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند.» در این زمینه، اصل ۱۱۱ قانون اساسی نیز مقرر کرده است: «در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند.»

بند دوم: نظارت بر شرایط رهبر

به موجب اصل ۱۱۱ قانون اساسی، «هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود، یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می‌باشد.» لذا، در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، مجلس خبرگان مسئولیت نظارت مستمر بر شرایط رهبری را داراست.

بند سوم: عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی

بر طبق اصل ۱۷۷ قانون اساسی، در فرآیند بازنگری قانون اساسی پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان در شورای بازنگری قانون اساسی عضویت خواهند داشت.

مبحث دوم: صدا و سیما

بر طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، رادیو و تلویزیون باید به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت باشد. در این زمینه، بند «ب» نظر تفسیری

شماره ۷۹/۲۱/۹۷۹ مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۰ شورای نگهبان مقرر کرده است: «مطابق نص صریح اصل ۴۴ قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران رادیو و تلویزیون دولتی است و تأسیس و راه اندازی شبکه های خصوصی رادیویی و تلویزیونی به هر نحو، مغایر این اصل می باشد. بدین جهت انتشار و پخش برنامه های صوتی و تصویری از طریق سیستم های فنی قابل انتشار فراگیر (همانند ماهواره، فرستنده، فیبر نوری و غیره) برای مردم در قالب امواج رادیویی و کابلی غیر از سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران خلاف اصل مذکور است.» فصل دوازدهم قانون اساسی به «صدا و سیما» اختصاص یافته و اصل ۱۷۵ قانون اساسی در این زمینه مقرر کرده است: «در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد».

به موجب اصل ۱۷۵ قانون اساسی، «نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی (هرکدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت.» در این زمینه، بند «الف» نظر تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۹۷۹ مقرر کرده است: «مطابق اصل ۱۷۵ قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران صدا و سیما زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری می باشد. بنابراین سیاست گذاری، هدایت و تدابیر لازم در همه ابعاد خصوصاً در راستای تحقق آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور در همه شئون و مراتب که در صدر اصل مذکور به آن اشاره شده است از اختیارات اختصاصی آن مقام می باشد.»

مبحث سوم: شورای عالی امنیت ملی

بر طبق اصل ۱۷۶ قانون اساسی، «به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، «شورای عالی امنیت ملی» به ریاست رئیس جمهور، با وظایف زیر تشکیل می شود: ۱- تعیین

سیاست‌های دفاعی- امنیتی کشور در محدوده سیاستهای کلی تعیین شده از سوی مقام رهبری ۲- هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی- امنیتی ۳- بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.

همچنین ترکیب شورا عبارت است از: ۱- رؤسای قوای سه‌گانه ۲- رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح ۳- مسئول امور برنامه و بودجه ۴- دو نماینده به انتخاب رهبری ۵- وزیر امور خارجه، کشور و اطلاعات ۶- حسب مورد وزیر مربوط و عالی‌ترین مقام ارتش و سپاه. بر طبق عبارت ذیل اصل مزبور، شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد که ریاست هر یک از شوراها با رئیس‌جمهوری یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس‌جمهوری تعیین می‌شود. در این زمینه، ابتکار تشکیل شوراهای فرعی منحصراً در اختیار شورای عالی امنیت ملی است، اما پس از تشکیل، تعیین وظایف و اختیارات باید به موجب قانون باشد. همچنین، مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تصویب مقام رهبری قابل اجراست.

مبحث چهارم: مجمع تشخیص مصلحت نظام

زمینه تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۶ با حکم امام خمینی (ره) فراهم شد. این مجمع در ابتدا صرفاً به منظور تشخیص مصلحت در مورد مصوبات مجلس که با ایراد شورای نگهبان مواجه می‌شود، تأسیس شد؛ اما پس از آنکه در فرآیند بازنگری سال ۱۳۶۸، در قانون اساسی رسماً شناسایی شد، وظایف دیگری نیز بر عهده‌اش قرار گرفت.

بر طبق اصل ۱۱۲ قانون اساسی اعضای ثابت و متغیر مجمع را مقام رهبری تعیین می‌کند. این اعضا معمولاً متشکل از دو گروه حقوقی

و حقیقی‌اند. اعضای حقوقی در دوره نهم این نهاد که احکام انتصاب آنان در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ صادر شده، عبارت است از: رؤسای سه قوه، فقهای شورای نگهبان (در موارد تشخیص مصلحت نسبت به مصوبات مجلس)، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، دبیر شورای عالی امنیت ملی، وزیر یا رئیس دستگاه مرتبط با موضوع مورد بحث و رئیس کمیسیون مربوط به موضوع بحث از مجلس شورای اسلامی. اعضای حقیقی مجمع نیز در دوره‌های مختلف تغییر می‌کنند.

با عنایت به مقدمه فوق، در ادامه به شناسایی اهم صلاحیت‌های مجمع در قانون اساسی پرداخته می‌شود:

بند اول: تشخیص مصلحت

به موجب اصل ۱۱۲ قانون اساسی، «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند» تشکیل شده است. بر این اساس، این مجمع در موارد مذکور، تشخیص می‌دهد که آیا مصلحت مدنظر مجلس برای تصویب قانون مغایر احکام اولیه شرع و قانون اساسی وجود دارد یا خیر.

در خصوص این صلاحیت مجمع اشاره به این نکته لازم است که مجمع تنها حق اظهارنظر در خصوص مواد مورد ایراد شورای نگهبان را دارد. البته، بر طبق آیین‌نامه داخلی مجمع که به تأیید مقام رهبری رسیده، در مواردی که مجمع رأی دادن به موضوع مذکور را مشروط به اصلاح بخش دیگری از مواد مصوبه بداند که آن بخش با مخالفت شورای نگهبان مواجه نبوده، مجمع موضوع را به استحضار مقام رهبری می‌رساند و در صورت موافقت معظم‌له نسبت به بررسی بخش مورد نظر اقدام خواهد کرد.

بند دوم: حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیستند

به موجب بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیستند از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام، از جمله صلاحیتهای مقام رهبری دانسته شده است. بر این اساس، در صورت تشخیص معضل توسط مقام رهبری، ایشان موضوع را جهت تعیین تکلیف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع خواهند داد تا آن مجمع اقدام به تصمیم‌گیری کند. البته، با توجه به اینکه صلاحیت حل معضلات نظام از جمله صلاحیتهای مقام رهبری است، مصوبه مجمع در این زمینه باید به امضای مقام رهبری برسد.

بند سوم: مشاوره در اموری که رهبری ارجاع می‌دهند

اصل ۱۱۲ قانون اساسی یکی از شئون تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را «مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد» دانسته است. لذا مجمع تشخیص را باید به عنوان بازوی مشورتی رهبری شناخت.

مبحث پنجم: شوراهای محلی

به موجب اصل ۷ قانون اساسی، شوراها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره‌ی امور کشور دانسته شده‌اند. یکی از اقسام شوراها در اصل مزبور شوراهای محلی است که اصل ۱۰۰ قانون اساسی، اداره امور محلی را با نظارت این شوراها دانسته است. اصل مزبور مقرر داشته «برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله‌مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت

ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می‌کند.»

به موجب «قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران» -مصوب ۱۳۷۵-، اعضای شوراهای محلی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم منتخب مردمند و برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند. از میان شوراهای ذکرشده، شوراهای شهر و روستا، دارای رکن اجرایی شهرداری و دهیاری است و انتخاب شهردار یا دهیار به ترتیب توسط شورای اسلامی شهر و روستا انجام می‌پذیرد. دولت مرکزی به منظور هماهنگی اداره امور عمومی، در چارچوب قانون نظارتی خفیف بر این شوراها اعمال می‌کند.

با عنایت به اصل ۱۰۱ قانون اساسی، در رأس شوراهای محلی شورای عالی استان‌ها قرار دارد. اصل مزبور مقرر کرده است: «به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان‌ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورای عالی استان‌ها مرکب از نمایندگان شوراهای استان‌ها تشکیل می‌شود. نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می‌کند.» همچنین، اصل ۱۰۲ قانون اساسی به شورای عالی استان‌ها صلاحیت داده است تا در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد دهد.

مبحث ششم: شورای نگهبان

تدوین‌کنندگان قانون اساسی به جهت نقش ویژه‌ی شورای نگهبان در فرآیند قانونگذاری، ساختار و صلاحیت‌های شورای نگهبان را در ذیل فصل قوه مقننه شناسایی کرده‌اند. اهمیت شورای نگهبان در فرآیند قانونگذاری موجب شده است تا مطابق اصل ۹۳ قانون اساسی، مجلس بدون وجود شورای نگهبان فاقد اعتبار قانونی دانسته شود. البته در اصل مزبور از این حکم کلی دو مورد مستثنا شده است: تصویب اعتبارنامه نمایندگان و

انتخاب شش عضو حقوقدان شورای نگهبان.

مطابق اصل ۹۱ قانون اساسی، شورای نگهبان مرکب از شش نفر فقیه عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز است که انتخاب آنها با مقام رهبری است. همچنین در این شورا شش نفر حقوقدان نیز حضور دارد که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس معرفی و با رأی مجلس انتخاب می‌شوند. مدت عضویت اعضای این شورا مطابق اصل ۹۲، شش سال است؛ اما مطابق سازوکاری که در دوره نخست این شورا پیش‌بینی شده است، هیچ‌گاه دوره عضویت تمامی شش فقیه یا شش حقوقدان عضو، همزمان به اتمام نمی‌رسد، بلکه همواره اتمام دوره عضویت سه فقیه و سه حقوقدان، در اواسط دوره عضویت سه فقیه و سه حقوقدان دیگر خواهد بود تا اعضای جدید، بتوانند از تجربیات اعضای حاضر استفاده کنند.

مطابق اصول متعددی از قانون اساسی همانند اصول ۷۱، ۷۲، ۹۱، ۹۴ و ۹۶، شورای نگهبان وظیفه دارد تا مصوبات مجلس را از نظر مغایرت با موازین شرع و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهند. نحوه بررسی مصوبات مذکور توسط این شورا با عنایت به ترکیب دوگانه آن بدین صورت است که مطابق اصل ۹۶ قانون اساسی، تشخیص مغایرت مصوبات مجلس با موازین شرع، صرفاً برعهده اکثریت فقهای عضو این شورا است و تشخیص مغایرت مصوبات آن با قانون اساسی، بر عهده اکثریت دوازده عضو آن می‌باشد.

مطابق اصول ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی، مهلت اعلام نظر این شورا درباره مصوبات مجلس، ده روز است و در صورت نیاز، امکان تمدید این مهلت تا ده روز دیگر نیز فراهم است. البته، مطابق اصل ۹۷ قانون اساسی، در زمانی که طرح یا لایحه‌ای فوری در دستور کار مجلس قرار داشته باشد، اعضای شورای نگهبان باید در جلسه حضور پیدا کنند تا با استماع مذاکرات موافقان و مخالفان، امکان اظهار نظر سریع‌تر درباره مغایرت مصوبه مجلس با شرع و قانون اساسی فراهم شود.

صرف‌نظر از وظیفه نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس، فقهای این

شورا وظیفه دارند تا مطابق اصل ۴ قانون اساسی به انطباق تمامی قوانین و مقررات با موازین شرعی بپردازند. همچنین، تفسیر رسمی اصول قانون اساسی با اکثریت سه‌چهارم اعضای شورای نگهبان (اصل ۹۸ قانون اساسی)، نظارت بر انتخابات‌های مختلف از جمله مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی (اصل ۹۹ قانون اساسی) از دیگر صلاحیت‌های شورای نگهبان است.



قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ
بِالْقِسْطِ

مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می باشد. ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می یافت این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون در طلیعه این پیروزی بزرگ، ملت ما با تمام وجود نیل به آن را می طلبد.

ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت های ایران در سده اخیر، مکتبی و اسلامی بودن آن است. ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت به این تجربه گرانبار دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضت ها مکتبی نبودن مبارزات بوده است. گرچه

در نهضت‌های اخیر خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز سهم اصلی و اساسی را بر عهده داشت، ولی به دلیل دور شدن این مبارزات از مواضع اصیل اسلامی، جنبش‌ها به سرعت به رکود کشانده شد. از اینجا وجدان بیدار ملت به رهبری مرجع عالی‌قدر تقلید حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی ضرورت پیگیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی را دریافت و این بار روحانیت مبارز کشور که همواره در صف مقدم نهضت‌های مردمی بوده و نویسندگان و روشنفکران متعهد با رهبری ایشان تحرک نوینی یافت. (آغاز نهضت اخیر ملت ایران در سال هزار و سیصد و هشتاد و دو هجری قمری برابر با هزار و سیصد و چهل و یک هجری شمسی می‌باشد.)

طلیعه نهضت

اعتراض درهم کوبنده امام خمینی به توطئه آمریکایی «انقلاب سفید» که گامی در جهت تثبیت پایه‌های حکومت استبداد و تحکیم وابستگی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران به امپریالیزم جهانی بود عامل حرکت یکپارچه ملت گشت و متعاقب آن انقلاب عظیم و خونبار امت اسلامی در خردادماه ۴۲ که در حقیقت نقطه آغاز شکوفایی این قیام شکوهمند و گسترده بود مرکزیت امام را به عنوان رهبری اسلامی تثبیت و مستحکم نمود و علی‌رغم تبعید ایشان از ایران در پی اعتراض به قانون ننگین کاپیتولاسیون (مصونیت مستشاران آمریکایی) پیوند مستحکم امت با امام همچنان استمرار یافت و ملت مسلمان و به ویژه روشنفکران متعهد و روحانیت مبارز راه خود را در میان تبعید و زندان، شکنجه و اعدام ادامه دادند.

در این میان قشر آگاه و مسئول جامعه در سنگر مسجد، حوزه‌های علمیه و دانشگاه به روشنگری و با الهام از مکتب انقلابی و پُربار اسلام تلاش پی‌گیر و ثمربخشی را در بالا بردن سطح آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی ملت مسلمان آغاز کرد. رژیم استبداد که سرکوبی

نهضت اسلامی را با حمله دژخیمانه به فیضیه و دانشگاه و همه کانون‌های پرخروش انقلاب آغاز نموده بود به مذبوحانه‌ترین اقدامات ددمنشانه جهت رهایی از خشم انقلابی مردم، دست زد و در این میان جوخه‌های اعدام، شکنجه‌های قرون وسطایی و زندان‌های درازمدت، بهایی بود که ملت مسلمان ما به نشانه عزم راسخ خود به ادامه مبارزه می‌پرداخت. خون صدها زن و مرد جوان و با ایمان که سحرگاهان در میدان‌های تیر فریاد «الله اکبر» سر می‌دادند یا در میان کوچه و بازار هدف گلوله‌های دشمن قرار می‌گرفتند انقلاب اسلامی را تداوم بخشید. بیانیه‌ها و پیام‌های پی‌درپی امام به مناسبت‌های مختلف، آگاهی و عزم امت اسلامی را عمق و گسترش هر چه فزون‌تر داد.

حکومت اسلامی

طرح حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه که در اوج خفقان و اختناق رژیم استبدادی از سوی امام خمینی ارائه شد انگیزه مشخص و منسجم نوینی را در مردم مسلمان ایجاد نمود و راه اصیل مبارزه مکتبی اسلام را گشود که تلاش مبارزان مسلمان و متعهد را در داخل و خارج کشور فشرده‌تر ساخت.

در چنین خطی نهضت ادامه یافت تا سرانجام نارضایی‌ها و شدت خشم مردم بر اثر فشار و اختناق روزافزون در داخل و افشاگری و انعکاس مبارزه به وسیله روحانیت و دانشجویان مبارز در سطح جهانی، بنیان‌های حاکمیت رژیم را به شدت متزلزل کرد و به ناچار رژیم و اربابانش مجبور به کاستن از فشار و اختناق و به اصطلاح باز کردن فضای سیاسی کشور شدند تا به گمان خویش دریچه اطمینانی به منظور پیشگیری از سقوط حتمی خود بگشایند. اما ملت برآشفته و آگاه و مصمم به رهبری قاطع و خلل‌ناپذیر امام، قیام پیروزمند و یکپارچه خود را به طرز گسترده و سراسری آغاز نمود.

خشم ملت

انتشار نامه توهین‌آمیز به ساحت مقدس روحانیت و به ویژه امام خمینی در ۱۷ دی ۵۶ از طرف رژیم حاکم، این حرکت را سریع‌تر نمود و باعث انفجار خشم مردم در سراسر کشور شد و رژیم برای مهار کردن آتش‌فشان خشم مردم کوشید این قیام معترضان را با به خاک و خون کشیدن خاموش کند؛ اما این خود خون بیشتری در رگ‌های انقلاب جاری ساخت و طپش‌های پی‌درپی انقلاب در هفته‌ها و چهل‌های یادبود شهدای انقلاب، حیات و گرمی و جوشش یکپارچه و هر چه فزون‌تری به این نهضت در سراسر کشور بخشید و در ادامه و استمرار حرکت مردم تمامی سازمان‌های کشور با اعتصاب یکپارچه خود و شرکت در تظاهرات خیابانی در سقوط رژیم استبدادی مشارکت فعالانه جستند. همبستگی گسترده مردان و زنان از همه اقشار و جناح‌های مذهبی و سیاسی در این مبارزه به طرز چشمگیری تعیین‌کننده بود و مخصوصاً زنان به شکل بارزی در تمامی صحنه‌های این جهاد بزرگ، حضور فعال و گسترده‌ای داشتند. صحنه‌هایی از آن نوع که مادری را با کودکی در آغوش، شتابان به سوی میدان نبرد و لوله‌های مسلسل نشان می‌داد بیانگر سهم عمده و تعیین‌کننده این قشر بزرگ جامعه در مبارزه بود.

بهایی که ملت پرداخت

نهال انقلاب پس از یک سال و اندی مبارزه مستمر و پیگیر با باروری از خون بیش از شصت هزار شهید و صد هزار زخمی و معلول و با بر جای نهادن میلیاردها تومان خسارت مالی در میان فریادهای «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» به ثمر نشست و این نهضت عظیم که با تکیه بر ایمان و وحدت و قاطعیت رهبری در مراحل حساس و هیجان‌آمیز نهضت و نیز فداکاری ملت به پیروزی رسید موفق به درهم کوبیدن تمام محاسبات و مناسبات و نهادهای امپریالیستی گردید که در نوع خود سرفصل جدیدی بر انقلابات گسترده مردمی در جهان شد.

۲۱ و ۲۲ بهمن سال یکهزار و سیصد و پنجاه و هفت روزهای فرو ریختن بنیاد شاهنشاهی شد و استبداد داخلی و سلطه خارجی متکی بر آن را در هم شکست و با این پیروزی بزرگ، طلیعه حکومت اسلامی که خواست دیرینه مردم مسلمان است نوید پیروزی نهایی را داد. ملت ایران به طور یکپارچه و با شرکت مراجع تقلید و علمای اسلام و مقام رهبری در همه‌پرسی جمهوری اسلامی، تصمیم نهایی و قاطع خود را بر ایجاد نظام نوین جمهوری اسلامی اعلام کرد و با اکثریت ۹۸/۲٪ به نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت داد.

اکنون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بیانگر نهادها و مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه باید راهگشای تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی و ارائه‌دهنده طرح نوین نظام حکومتی بر ویرانه‌های نظام طاغوتی قبلی گردد.

شیوه حکومت در اسلام

حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان بینی اصیل اسلامی بازگشت. اکنون بر آن است که با موازین اسلامی جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند. بر چنین پایه‌ای، رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد. قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر

جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند. (این هذّه اُمّتکم اُمّه واحده و اُنّا ربکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.

با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین‌گر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند. (و یضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم) در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت می‌گردند. (ان الأرض يرثها عبادي الصالحون) و قانون‌گذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت، جریان می‌یابد. بنابراین نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام‌شناسان عادل و پرهیزگار و متعهد (فقه‌های عادل) امری محتوم و ضروری است و چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (و إلى الله المصير) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلّقوا بأخلاق الله) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد.

با توجه به این جهت، قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان، هر فردی خود دست‌اندرکار و مسئول رشد و ارتقاء و رهبری گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود. (و نريد أن نميّ على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم أئمة و نجعلهم الوارثين)

ولایت فقیه عادل

بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود

(مجاری الأمور بید العلماء بالله الأمناء علی حلاله و حرامه) آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشند.

اقتصاد وسیله است نه هدف

در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست، نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی؛ زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود، ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت.

با این دیدگاه برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است.

زن در قانون اساسی

در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه‌جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. خانواده، واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت «شیء بودن» و یا «ابزار کار بودن» در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پُر ارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی

پیش‌آهنگ و خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.

ارتش مکتبی

در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد. بدین جهت ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق با هدف فوق شکل داده می‌شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه با رسالت مکتبی، یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود. (و أعدّوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدوالله و عدوكم و آخرین من دونهم)

قضاء در قانون اساسی

مسئله قضاء در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی. از این رو ایجاد سیستم قضایی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضاات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش‌بینی شده است. این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد. (و إذا حکمتهم بین الناس أن تحکموا بالعدل)

قوه مجریه

قوه مجریه به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در رابطه با اجرای احکام و مقررات اسلامی به منظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه دارد و همچنین ضرورتی که این مسئله حیاتی در زمینه‌سازی وصول به هدف نهایی حیات خواهد داشت بایستی راهگشای ایجاد

جامعه اسلامی باشد. نتیجتاً محصور شدن در هر نوع نظام دست و پاگیر پیچیده که وصول به این هدف را کند و یا خدشه‌دار کند از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد. بدین جهت نظام بوروکراسی که زائیده و حاصل حاکمیت‌های طاغوتی است به شدت طرد خواهد شد تا نظام اجرایی با کارایی بیشتر و سرعت افزون‌تر در اجرای تعهدات اداری بوجود آید.

وسایل ارتباط جمعی

وسایل ارتباط جمعی (رادیو- تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند.

پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت ابناء بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید بر عهده همگان است و لازم است که امت مسلمان با انتخاب مسئولین کاردان و مؤمن و نظارت مستمر بر کار آنان به طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند؛ به امید اینکه در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان باشد موفق گردد. (و کذلک جعلنا أمة وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس)

نمایندگان

مجلس خبرگان متشکل از نمایندگان مردم، کار تدوین قانون اساسی را بر اساس بررسی پیش‌نویس پیشنهادی دولت و کلیه پیشنهادهایی که از گروه‌های مختلف مردم رسیده بود در دوازده فصل که مشتمل بر یکصد و هفتاد و پنج اصل می‌باشد در طلیعه پانزدهمین قرن هجرت پیغمبر اکرم(ص)، بنیان‌گذار مکتب‌رهای بخش اسلام با اهداف و انگیزه‌های مشروح فوق به پایان رساند؛ به این امید که این قرن، قرن حکومت جهانی مستضعفین و شکست تمامی مستکبرین گردد.



قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

فصل اول - اصول کلی

اصل اول

حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالی‌قدر تقلید حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، در همه پرسى دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.

اصل دوم

جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

- ۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛
- ۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛
- ۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛
- ۴- عدل خدا در خلقت و تشریح؛
- ۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام؛
- ۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر

خدا، که از راه:

الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین؛

ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها؛

ج - نفی هرگونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می کند.

اصل سوم

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی

۲- بالابردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر

۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی

۴- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان

۵- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب

۶- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی

۷- تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون

۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش

۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی

۱۰- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور

- ۱۱- تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور
- ۱۲- پیریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه
- ۱۳- تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها
- ۱۴- تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون
- ۱۵- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم
- ۱۶- تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.

اصل چهارم

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

اصل پنجم

در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

اصل ششم

در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که

در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

اصل هفتم

طبق دستور قرآن کریم: «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» و «شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»، شوراها: مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

اصل هشتم

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ.»

اصل نهم

در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

اصل دهم

از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

اصل یازدهم

به حکم آیه کریمه: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُونِ»، همه مسلمانان يك اُمتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

اصل دوازدهم

دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر يك از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

اصل سیزدهم

ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

اصل چهاردهم

به حکم آیه شریفه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يَخْرُجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد

که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

فصل دوم- زبان، خط، تاریخ و پرچم کشور

اصل پانزدهم

زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد، ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

اصل شانزدهم

از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی، عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است، این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاس‌ها و در همه رشته‌ها تدریس شود.

اصل هفدهم

مبدأ تاریخ رسمی کشور، هجرت پیامبر اسلام(ص) است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است، اما مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است. تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است.

اصل هجدهم

پرچم رسمی ایران به رنگ‌های سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار «الله اکبر» است.

فصل سوم- حقوق ملت

اصل نوزدهم

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل بیستم

همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت

موازین اسلام برخورد دارند.

اصل بیست و یکم

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

- ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او
- ۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی‌سرپرست
- ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده
- ۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست
- ۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

اصل بیست و دوم

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل بیست و سوم

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

اصل بیست و چهارم

نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

اصل بیست و پنجم

بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.

اصل بیست و ششم

احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی

یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

اصل بیست و هفتم

تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

اصل بیست و هشتم

هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

اصل بیست و نهم

برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حق است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای يك‌يك افراد کشور تأمین کند.

اصل سی‌ام

دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

اصل سی و یکم

داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائین و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

اصل سی و دوم

هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل سی و سوم

هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

اصل سی و چهارم

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

اصل سی و پنجم

در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

اصل سی و ششم

حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل سی و هفتم

اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل سی و هشتم

هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل سی و نهم

هتك حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

اصل چهل

هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

اصل چهل و یکم

تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

اصل چهل و دوم

اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت این‌گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.

فصل چهارم - اقتصاد و امور مالی

اصل چهل و سوم

برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراك، پوشاك، بهداشت، درمان،

- آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.
- ۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.
- ۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.
- ۴- رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.
- ۵- منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.
- ۶- منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.
- ۷- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.
- ۸- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.
- ۹- تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

اصل چهارم و چهارم

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.

تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

اصل چهل و پنجم

انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌ال‌مالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر يك را قانون معین می‌کند.

اصل چهل و ششم

هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود، امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

اصل چهل و هفتم

مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند.

اصل چهل و هشتم

در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.

اصل چهل و نهم

دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.

اصل پنجاهم

در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

اصل پنجاه و یکم

هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود.

اصل پنجاه و دوم

بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم

می‌گردد. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.

اصل پنجاه و سوم

کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.

اصل پنجاه و چهارم

دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استان‌ها به موجب قانون تعیین خواهد شد.

اصل پنجاه و پنجم

دیوان محاسبات به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد، رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون، جمع‌آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

فصل پنجم - حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن

اصل پنجاه و ششم

حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.

اصل پنجاه و هفتم

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

اصل پنجاه و هشتم

اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحل که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.

اصل پنجاه و نهم

در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

اصل شصتم

اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزرا است.

اصل شصت و یکم

اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.

فصل ششم - قوه مقننه

مبحث اول - مجلس شورای اسلامی

اصل شصت و دوم

مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.

اصل شصت و سوم

دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد.

اصل شصت و چهارم

عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه پرسی سال یکهزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر بیست نفر نماینده می‌تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هرکدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هرکدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. محدوده حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند.

اصل شصت و پنجم

پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می‌یابد و تصویب طرح‌ها و لوایح طبق آیین‌نامه مصوب داخلی انجام می‌گیرد، مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد. برای تصویب آیین‌نامه داخلی موافقت دو سوم حاضران لازم است.

اصل شصت و ششم

ترتیب انتخاب رئیس و هیئت رئیسه مجلس و تعداد کمیسیون‌ها و دوره تصدی آنها و امور مربوط به مذاکرات و انتظامات مجلس به وسیله آیین‌نامه داخلی مجلس معین می‌گردد.

اصل شصت و هفتم

نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن قسم‌نامه را امضاء نمایند:

بسم الله الرحمن الرحيم

«من در برابر قرآن مجید، به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که پاسدار حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشم، ودیعه‌ای را که ملت به ما سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف وکالت، امانت و تقوا را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتلای کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پایبند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهارنظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آنها را مدنظر داشته باشم.»

نمایندگان اقلیت‌های دینی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد خواهند کرد.

نمایندگانی که در جلسه نخست شرکت ندارند باید در اولین جلسه‌ای که حضور پیدا می‌کنند مراسم سوگند را به جای آورند.

اصل شصت و هشتم

در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می‌شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد.

اصل شصت و نهم

مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان

برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از بر طرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد.

اصل هفتم

رئیس جمهور و معاونان او و وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می‌توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتی که نمایندگان لازم بدانند، وزرا مکلف به حضورند و هرگاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می‌شود.

مبحث دوم - اختیارات و صلاحیت مجلس شورای اسلامی

اصل هفتم و یکم

مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.

اصل هفتم و دوم

مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است.

اصل هفتم و سوم

شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان، در مقام تمیز حق از قوانین می‌کنند نیست.

اصل هفتم و چهارم

لوائح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و طرح‌های قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است.

اصل هفتم و پنجم

طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوائح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش

هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.

اصل هفتاد و ششم

مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.

اصل هفتاد و هفتم

عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل هفتاد و هشتم

هرگونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور، به شرط اینکه يك طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند و به تصویب چهارپنجم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل هفتاد و نهم

برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.

اصل هشتادم

گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد.

اصل هشتاد و یکم

دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.

اصل هشتاد و دوم

استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است، مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی.

اصل هشتاد و سوم

بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی باشد قابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی، آن هم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد.

اصل هشتاد و چهارم

هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید.

اصل هشتاد و پنجم

سِمَت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند. در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های ذی‌ربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل هشتاد و ششم

نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی

خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آراییی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد.

اصل هشتاد و هفتم

رئیس جمهور برای هیئت وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد. در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم و مورد اختلاف می‌تواند از مجلس برای هیئت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.

اصل هشتاد و هشتم

در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول، درباره یکی از وظایف آنان سؤال کنند، رئیس جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تأخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی.

اصل هشتاد و نهم

۱- نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیئت وزیران یا هر یک از وزرا را استیضاح کنند. استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود. هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیئت وزیران یا وزیر برای پاسخ، نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم را می‌دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد. اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می‌شود. در هر دو صورت وزرای مورد استیضاح نمی‌توانند در هیئت وزیرانی که بلافاصله بعد

از آن تشکیل می‌شود عضویت پیدا کنند.

۲- در صورتی که حداقل يك سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس جمهور باید ظرف مدت يك ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند ده اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد.

اصل نودم

هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

اصل نود و یکم

به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است.

۲- شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به‌وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.

اصل نود و دوم

اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن سه سال، نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می‌یابند و اعضای تازه‌ای به جای آنها انتخاب می‌شوند.

اصل نود و سوم

مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان.

اصل نود و چهارم

کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدیدنظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است.

اصل نود و پنجم

در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهار نظر نهایی کافی نداند، می‌تواند از مجلس شورای اسلامی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل خواستار تمدید وقت شود.

اصل نود و ششم

تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.

اصل نود و هفتم

اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند. اما وقتی طرح یا لایحه‌ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار

نمایند.

اصل نود و هشتم

تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود.

اصل نود و نهم

شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد.

فصل هفتم - شوراها

اصل یکصدم

برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و یکم

به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان‌ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورای عالی استان‌ها مرکب از نمایندگان شوراهای استان‌ها تشکیل می‌شود. نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و دوم

شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و

مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

اصل یکصد و سوم

استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند، در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند.

اصل یکصد و چهارم

به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضای این واحدها تشکیل می‌شود. چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و پنجم

تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد.

اصل یکصد و ششم

انحلال شوراها جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست. مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین می‌کند. شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند.

فصل هشتم - رهبر یا شورای رهبری

اصل یکصد و هفتم

پس از مرجع عالی‌قدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی «قدس سره الشریف» که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و

رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند. هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

اصل یکصد و هشتم

قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هرگونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان، در صلاحیت خود آنان است.

اصل یکصد و نهم

شرایط و صفات رهبر:

- ۱- صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه
- ۲- عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام
- ۳- بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.

در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد مقدم است.

اصل یکصد و دهم

وظایف و اختیارات رهبر:

- ۱- تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام
 - ۲- نظارت بر حُسن اجرای سیاست‌های کلی نظام
 - ۳- فرمان همه‌پرسی
 - ۴- فرماندهی کل نیروهای مسلح
 - ۵- اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها
 - ۶- نصب و عزل و قبول استعفاء:
 - الف- فقهای شورای نگهبان
 - ب- عالی‌ترین مقام قوه قضائیه
 - ج- رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
 - د- رئیس ستاد مشترک
 - هـ- فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
 - و- فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی
 - ۷- حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه
 - ۸- حل معضلات نظام که از طُرُق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام
 - ۹- امضاء حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم- صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.
 - ۱۰- عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم
 - ۱۱- عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه.
- رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند.

اصل یکصد و یازدهم

هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود، یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می‌باشد.

در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورای مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می‌گیرد و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقها در شورا، به جای وی منصوب می‌گردد. این شورا در خصوص وظایف بندهای (۱) و (۳) و (۵) و (۱۰) و قسمت‌های (د) و (ه) و (و) بند (۶) اصل یکصد و دهم، پس از تصویب سه‌چهارم اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می‌کند.

هرگاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثه دیگری موقتاً از انجام وظایف رهبری ناتوان شود، در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف او را عهده‌دار خواهد بود.

اصل یکصد و دوازدهم

مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضاء ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.

فصل نهم - قوه مجریه

مبحث اول - ریاست جمهوری و وزرا

اصل یکصد و سیزدهم

پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.

اصل یکصد و چهاردهم

رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است.

اصل یکصد و پانزدهم

رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد:

ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

اصل یکصد و شانزدهم

نامزدهای ریاست جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند. نحوه برگزاری انتخاب رئیس جمهوری را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و هفدهم

رئیس جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت‌کنندگان، انتخاب می‌شود، ولی هرگاه در دور نخست هیچ‌یک از نامزدها چنین اکثریتی بدست نیاورد، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رأی گرفته می‌شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آراء بیشتری داشته‌اند شرکت می‌کنند، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده آراء بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیش از

دیگران رأی داشته‌اند برای انتخاب مجدد معرفی می‌شوند.

اصل یکصد و هجدهم

مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری طبق اصل نود و نهم بر عهده شورای نگهبان است، ولی قبل از تشکیل نخستین شورای نگهبان بر عهده انجمن نظارتی است که قانون تعیین می‌کند.

اصل یکصد و نوزدهم

انتخاب رئیس جمهور جدید باید حداقل يك ماه پیش از پایان دوره ریاست جمهوری قبلی انجام شده باشد و در فاصله انتخاب رئیس جمهور جدید و پایان دوره ریاست جمهوری سابق، رئیس جمهور پیشین وظایف رئیس جمهوری را انجام می‌دهد.

اصل یکصد و بیستم

هرگاه در فاصله ده روز پیش از رأی‌گیری یکی از نامزدهایی که صلاحیت او طبق این قانون احراز شده فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته به تأخیر می‌افتد. اگر در فاصله دور نخست و دور دوم نیز یکی از دو نفر حائز اکثریت دور نخست فوت کند، مهلت انتخابات برای دو هفته تمدید می‌شود.

اصل یکصد و بیست و یکم

رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضاء می‌نماید: «بسم الله الرحمن الرحيم. من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی

که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم.»

اصل یکصد و بیست و دوم

رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است.

اصل یکصد و بیست و سوم

رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد.

اصل یکصد و بیست و چهارم

رئیس جمهور می‌تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد. معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی اداره هیئت وزیران و مسئولیت هماهنگی سایر معاونت‌ها را به عهده خواهد داشت.

اصل یکصد و بیست و پنجم

امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی او است.

اصل یکصد و بیست و ششم

رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد و می‌تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد.

اصل یکصد و بیست و هفتم

رئیس جمهور می‌تواند در موارد خاص، برحسب ضرورت با تصویب هیئت وزیران، نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران خواهد بود.

اصل یکصد و بیست و هشتم

سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رئیس جمهور تعیین می‌شوند. رئیس جمهور استوارنامه سفیران را امضاء می‌کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد.

اصل یکصد و بیست و نهم

اعطای نشان‌های دولتی با رئیس جمهور است.

اصل یکصد و سی‌ام

رئیس جمهور استعفای خود را به رهبر تقدیم می‌کند و تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشده است به انجام وظایف خود ادامه می‌دهد.

اصل یکصد و سی و یکم

در صورت فوت، عزل، استعفاء، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور و یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس جمهور با موافقت رهبری، اختیارات و مسئولیتهای وی را بر عهده می‌گیرد و شورایی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود. در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس جمهور، معاون اول نداشته باشد مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می‌کند.

اصل یکصد و سی و دوم

در مدتی که اختیارات و مسئولیتهای رئیس جمهور بر عهده معاون

اول یا فرد دیگری است که به موجب اصل یکصد و سی و یکم منصوب می‌گردد، وزرا را نمی‌توان استیضاح کرد یا به آنان رأی عدم اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدیدنظر در قانون اساسی و یا امر همه‌پرسی اقدام نمود.

اصل یکصد و سی و سوم

وزرا توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند. با تغییر مجلس، گرفتن رأی اعتماد جدید برای وزرا لازم نیست. تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و سی و چهارم

ریاست هیئت وزیران با رئیس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگی ساختن تصمیم‌های وزیران و هیئت دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند.

در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیئت وزیران که به پیشنهاد رئیس جمهور اتخاذ می‌شود لازم‌الاجراء است. رئیس جمهور در برابر مجلس، مسئول اقدامات هیئت وزیران است.

اصل یکصد و سی و پنجم

وزرا تا زمانی که عزل نشده‌اند و یا بر اثر استیضاح یا درخواست رأی اعتماد، مجلس به آنها رأی عدم اعتماد نداده است در سِمَت خود باقی می‌مانند. استعفای هیئت وزیران یا هر یک از آنان به رئیس جمهور تسلیم می‌شود و هیئت وزیران تا تعیین دولت جدید به وظایف خود ادامه خواهند داد. رئیس جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید.

اصل یکصد و سی و ششم

رئیس جمهور می‌تواند وزرا را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر

یا وزیران جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد، و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیئت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیئت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.

اصل یکصد و سی و هفتم

هر يك از وزیران، مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست.

اصل یکصد و سی و هشتم

علاوه بر مواردی که هیئت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر يك از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد، ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجرا است. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت وزیران بفرستد.

اصل یکصد و سی و نهم

صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.

اصل یکصد و چهل و چهارم

رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرایم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود.

اصل یکصد و چهل و یکم

رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از يك شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است. سِمَت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است.

اصل یکصد و چهل و دوم

دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق افزایش نیافته باشد.

مبحث دوم - ارتش و سپاه پاسداران انقلاب

اصل یکصد و چهل و سوم

ارتش جمهوری اسلامی ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را بر عهده دارد.

اصل یکصد و چهل و چهارم

ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و باید افرادی شایسته را به خدمت بپذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی مؤمن و در راه تحقق آن فداکار باشند.

اصل یکصد و چهل و پنجم

هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور

پذیرفته نمی‌شود.

اصل یکصد و چهل و ششم

استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به عنوان استفاده‌های صلح‌آمیز باشد ممنوع است.

اصل یکصد و چهل و هفتم

دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در حدّی که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نیاید.

اصل یکصد و چهل و هشتم

هر نوع بهره‌برداری شخصی از وسایل و امکانات ارتش و استفاده شخصی از افراد آنها به صورت گماشته، راننده شخصی و نظایر اینها ممنوع است.

اصل یکصد و چهل و نهم

ترفیع درجه نظامیان و سلب آن به موجب قانون است.

اصل یکصد و پنجاهم

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا می‌ماند. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به وسیله قانون تعیین می‌شود.

اصل یکصد و پنجاه و یکم

به حکم آیه کریمه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم نماید، به طوری که همه افراد همواره توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی

ایران را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه باید با اجازه مقامات رسمی باشد.

فصل دهم - سیاست خارجی

اصل یکصد و پنجاه و دوم

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحارب استوار است.

اصل یکصد و پنجاه و سوم

هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است.

اصل یکصد و پنجاه و چهارم

جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

اصل یکصد و پنجاه و پنجم

دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر این که بر طبق قوانین ایران خائن و تبه‌کار شناخته شوند.

فصل یازدهم - قوه قضائیه

اصل یکصد و پنجاه و ششم

قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

- ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدّیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند.
- ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع
- ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین
- ۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدوّن جزائی اسلام
- ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

اصل یکصد و پنجاه و هفتم

به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است.

اصل یکصد و پنجاه و هشتم

وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

- ۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم
- ۲- تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی
- ۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیح آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

اصل یکصد و پنجاه و نهم

مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

اصل یکصد و شصتم

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوطه به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه

قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد. رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تامّ مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزرا به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی پیش‌بینی می‌شود.

اصل یکصد و شصت و یکم

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.

اصل یکصد و شصت و دوم

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند.

اصل یکصد و شصت و سوم

صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود.

اصل یکصد و شصت و چهارم

قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

اصل یکصد و شصت و پنجم

محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد

یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

اصل یکصد و شصت و ششم

احکام دادگاه‌ها باید مستدلّ و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.

اصل یکصد و شصت و هفتم

قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدوّنه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدوّنه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

اصل یکصد و شصت و هشتم

رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.

اصل یکصد و شصت و نهم

هیچ فعلی یا ترك فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.

اصل یکصد و هفتادم

قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

اصل یکصد و هفتاد و یکم

هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به‌وسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

اصل یکصد و هفتاد و دوم

برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود.

دادستانی و دادگاه‌های نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

اصل یکصد و هفتاد و سوم

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.

اصل یکصد و هفتاد و چهارم

بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.

فصل دوازدهم - صدا و سیما

اصل یکصد و هفتاد و پنجم

در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.

نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هرکدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت.

خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند.

فصل سیزدهم - شورای عالی امنیت ملی

اصل یکصد و هفتاد و ششم

به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، «شورای عالی امنیت ملی» به ریاست رئیس جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد:

- ۱- تعیین سیاست‌های دفاعی-امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین‌شده از طرف مقام رهبری
- ۲- هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی-امنیتی
- ۳- بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.

اعضای شورا عبارتند از:

- رؤسای قوای سه‌گانه
 - رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح
 - مسئول امور برنامه و بودجه
 - دو نماینده به انتخاب مقام رهبری
 - وزیر امور خارجه، کشور، اطلاعات
 - حسب مورد وزیر مربوط و عالی‌ترین مقام ارتش و سپاه
- شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد. ریاست هر يك از شوراهای فرعی با رئیس جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس جمهور تعیین می‌شود. حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می‌رسد.

مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجرا است.

فصل چهاردهم - بازنگری در قانون اساسی

اصل یکصد و هفتاد و هفتم

بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می‌گیرد:

مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می‌نماید:

۱- اعضای شورای نگهبان

۲- رؤسای قوای سه‌گانه

۳- اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام

۴- پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری

۵- ده نفر به انتخاب مقام رهبری

۶- سه نفر از هیئت وزیران

۷- سه نفر از قوه قضائیه

۸- ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی

۹- سه نفر از دانشگاهیان.

شیوه کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن را قانون معین می‌کند. مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آراء عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی برسد. رعایت ذیل اصل پنجاه و نهم در مورد همه‌پرسی «بازنگری در قانون اساسی» لازم نیست.

محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است.



فهرست تفصیلی

۶.....	دیباچه.....
۸	مقدمه.....
۱۱	فصل اول: جایگاه و اهمیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....
۱۴	فصل دوم: مهم‌ترین ویژگی‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....
۱۴.....	مبحث اول: اسلامی بودن
۱۶.....	مبحث دوم: مردمی بودن.....
۱۸	فصل سوم: اهداف و وظایف اصلی حکومت از منظر قانون اساسی.....
۲۱	فصل چهارم: حقوق و آزادی‌های ملت در قانون اساسی
۲۲.....	مبحث اول: حقوق مدنی و سیاسی ملت.....
۲۳.....	مبحث دوم: حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملت.....
۲۴.....	مبحث سوم: حقوق قضائی ملت
۲۵.....	مبحث چهارم: حقوق زن و خانواده.....
۲۷.....	مبحث پنجم: حقوق اقلیت‌ها
۲۹	فصل پنجم: جایگاه و نقش مقام رهبری در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران...
۳۰.....	مبحث اول: شرایط و شیوه انتخاب مقام رهبری
۳۰.....	مبحث دوم: صلاحیت‌های مقام رهبری در قانون اساسی
۳۱.....	بند اول: تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی
۳۲.....	بند دوم: نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام.....
۳۲.....	بند سوم: فرمان همه‌پرسی
۳۲.....	بند چهارم: فرماندهی کل نیروهای مسلح
۳۲.....	بند پنجم: اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها

- بند ششم: نصب و عزل و قبول استعفای برخی مقامات ۳۳
- بند هفتم: حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه ۳۳
- بند هشتم: حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست ۳۳
- بند نهم: امضای حکم ریاست‌جمهوری پس از انتخاب مردم ۳۳
- بند دهم: عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور ۳۴
- بند یازدهم: عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی ... ۳۴
- فصل ششم: ساختار و صلاحیت‌های قوه مجریه ۳۵
- مبحث اول: رئیس‌جمهوری ۳۵
- بند اول: شرایط داوطلبان ریاست‌جمهوری ۳۵
- بند دوم: نحوه انتخاب رئیس‌جمهوری ۳۷
- بند سوم: مسئولیت‌های رئیس‌جمهوری ۳۷
- بند چهارم: همکاران رئیس‌جمهوری ۳۹
- بند پنجم: کفالت رئیس‌جمهوری ۴۰
- بند ششم: صلاحیت‌های رئیس‌جمهوری ۴۱
- الف- مسئولیت اجرای قانون اساسی ۴۱
- ب- صلاحیت‌ها در حوزه‌های مرتبط با امور بین‌المللی ۴۲
- پ- ریاست بر شوراهای عالی کشور ۴۲
- ت- ریاست هیأت وزیران ۴۳
- ث- نصب و عزل وزرا ۴۳
- ج- اعطای نشان‌های دولتی ۴۳
- چ- صلاحیت‌ها در حوزه‌های مرتبط با مجلس شورای اسلامی ۴۴
- ح- امضای قوانین و نتیجه همه‌پرسی ۴۴
- مبحث دوم: وزیران ۴۴
- بند اول: جایگاه وزیر در نظام سیاسی ۴۵
- بند دوم: مسئولیت‌های وزیر ۴۶
- الف- مسئولیت سیاسی وزیر در برابر مجلس ۴۶
- ب- مسئولیت اداری وزیر در برابر رئیس‌جمهوری ۴۶
- پ- مسئولیت مالی وزیر ۴۶
- ت- مسئولیت کیفری وزیر ۴۶

- ث- مسئولیت قضایی وزیر ۴۶
- ج- مسئولیت مدنی وزیر ۴۷
- بند سوم: صلاحیت‌های وزیر ۴۷
- الف- وضع مقررات لازم‌الاجرا ۴۷
- ب- اداره وزارتخانه ۴۸
- مبحث سوم: هیأت وزیران ۴۹
- بند اول: جایگاه هیأت وزیران ۴۹
- بند دوم: مسئولیت‌های هیأت وزیران ۵۰
- بند سوم: صلاحیت‌های هیأت وزیران ۵۰
- الف- تصویب لوایح قانونی برای ارائه به مجلس ۵۰
- ب- وضع تصویب‌نامه ۵۱
- پ- تصویب اجازه صلح دعاوی یا ارجاع دعا به داوری ۵۱
- ت- حل اختلاف بین دستگاه‌های اجرایی ۵۱
- فصل هفتم: ساختار و صلاحیت‌های قوه مقننه ۵۲
- بند اول: ساختار مجلس شورای اسلامی ۵۲
- الف- نمایندگان مجلس ۵۲
- ب- رئیس مجلس ۵۳
- پ- هیأت رئیسه مجلس ۵۴
- ت- کمیسیون‌های داخلی مجلس ۵۴
- ث- تشکیلات اداری و پشتیبانی مجلس ۵۵
- بند دوم: صلاحیت‌های مجلس شورای اسلامی ۵۶
- الف- صلاحیت تقنینی ۵۶
- ب- صلاحیت نظارتی ۶۱
- فصل هشتم: ساختار و صلاحیت‌های قوه قضائیه ۶۸
- مبحث اول: صلاحیت‌های قوه قضائیه در قانون اساسی ۶۸
- مبحث دوم: جایگاه و نقش رئیس قوه قضائیه ۶۹
- مبحث سوم: جایگاه و نقش دیوان عالی کشور ۷۰
- مبحث چهارم: جایگاه و نقش دیوان عدالت اداری ۷۱
- مبحث پنجم: جایگاه و نقش سازمان بازرسی کل کشور ۷۲

فصل نهم: ساختار و صلاحیت‌های سایر مراجع	۷۴
مبحث اول: مجلس خبرگان	۷۴
بند اول: تعیین رهبر	۷۵
بند دوم: نظارت بر شرایط رهبر	۷۵
بند سوم: عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی	۷۵
مبحث دوم: صدا و سیما	۷۵
مبحث سوم: شورای عالی امنیت ملی	۷۶
مبحث چهارم: مجمع تشخیص مصلحت نظام	۷۷
بند اول: تشخیص مصلحت	۷۸
بند دوم: حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیستند	۷۹
بند سوم: مشاوره در اموری که رهبری ارجاع می‌دهند	۷۹
مبحث پنجم: شوراهای محلی	۷۹
مبحث شش: شورای نگهبان	۸۰
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۸۳
مقدمه	۸۳
طلیعه نهضت	۸۴
حکومت اسلامی	۸۵
خشم ملت	۸۶
بهایی که ملت پرداخت	۸۶
شیوه حکومت در اسلام	۸۷
ولایت فقیه عادل	۸۸
اقتصاد وسیله است نه هدف	۸۹
زن در قانون اساسی	۸۹
ارتش مکتبی	۹۰
قضاء در قانون اساسی	۹۰
قوه مجریه	۹۰
وسایل ارتباط جمعی	۹۱
نمایندگان	۹۱
فصل اول- اصول کلی	۹۲

۹۷.....	فصل دوم- زبان، خط، تاریخ و پرچم کشور
۹۷.....	فصل سوم- حقوق ملت
۱۰۱.....	فصل چهارم- اقتصاد و امور مالی
۱۰۵.....	فصل پنجم- حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن
۱۰۶.....	فصل ششم- قوه مقننه
۱۱۵.....	فصل هفتم- شوراها
۱۱۶.....	فصل هشتم- رهبر یا شورای رهبری
۱۲۰.....	فصل نهم- قوه مجریه
۱۲۸.....	فصل دهم- سیاست خارجی
۱۲۸.....	فصل یازدهم- قوه قضائیه
۱۳۲.....	فصل دوازدهم- صدا و سیما
۱۳۳.....	فصل سیزدهم- شورای عالی امنیت ملی
۱۳۴.....	فصل چهاردهم- بازنگری در قانون اساسی

با توجه به اهمیت قانون اساسی در نظام سیاسی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران و تعیین اهم ساختارها و صلاحیت‌های ارکان اساسی کشور در آن، آشنایی با قانون اساسی برای کارکنان دستگاه‌های اجرایی یک ضرورت محسوب می‌شود. این ضرورت در تصویب‌نامه هیأت وزیران و بخشنامه‌های سازمان اداری و استخدامی کشور مورد تأکید قرار گرفته است. اثر حاضر به منظور ایفای نقش معاونت حقوقی رئیس‌جمهور در زمینه تهیه محتوای آموزشی مناسب برای این قبیل دوره‌های آموزشی تهیه شده است.



خانه ملی قانون اساسی



جمهوری اسلامی ایران

معاونت حقوقی رئیس‌جمهور

معاونت قانون اساسی معاون حقوقی رئیس‌جمهور

www.ghanoonasasi.ir